

۶ صفحه

رایگان

۱۵

کارگران جهان متحد شوید!

صفحه ۴
صفحه ۶
صفحه ۶
صفحه ۸
صفحه ۸
صفحه ۸

صفحه حزب
ایسکرا میپرسد
اعلام موجودیت مرکز مطالعات کردستان
در ستایش انسانیت
از نشریات داخل
یک سوال از اعضای راه کارگر

نادر بکتاش

**پینوشه دستگیر شد،
عرصه را بر پینوشه های ایران تنگ کنیم**
صفحه ۸

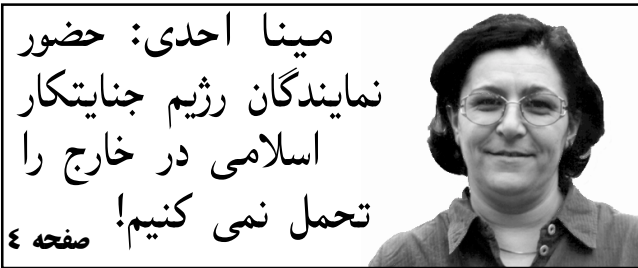
**مصاحبه رادیو اترناسیونال استکهلم با منصور حکمت
درباره تنش بین جمهوری اسلامی و طالبان**
صفحه ۲

مصطفی صابر

چه کسی سلمان رشدی را نجات خواهد داد؟!

"تلاش" اخیر برای الغاء فتوای قتل سلمان رشدی یک نمایش توهین آمیز بود. رشدی یکبار به تلویزیون آمد، خنده بر لب، که گویا ایران از "اجرای فتوا فاصله گرفته" و حالا او میتواند نفسی به راحتی بکشد. کمتر از دو هفته دوباره ایشان بازگشت که با افسردگی بگوید که خواب و خیال بود... "برنده" این نمایش آقای بلر نخست وزیر انگلیس بود که میخواست با افتضاح کمتری ماجرای سلمان رشدی را دور بزند و با ایران رابطه کامل دیپلماتیک برقرار کند. آقای خرازی و آقای خاتمی هم جزو برنده ها بودند. چرا که توانستند به هم پالکی های "افراطی" خود در تهران نشان دهند که ببینید ما حتی با "تکرار مواضع قبل" در قبال فتوا، رابطه با انگلیس را از سر گرفتیم. حتی آن به اصطلاح افراطیون تهران هم چیزی در این ماجرا بدست آوردند. چرا که یک دور دیگر گرد و خاک حول "غیر قابل تغییر بودن فتوا" راه انداختند و صانعی، که میگویند طرفدار خاتمی است، ۳۰۰ هزار دلار دیگر بر مبلغ جایزه سر رشدی اضافه کرد... کسی که در این میان باز قربانی شد خود سلمان رشدی بود. اینبار حتی چیزی هم علاوه: او بنحو موهنی مضحکه سیاست خارجی انگلیس و تلاش اتحادیه اروپا برای نزدیکی با ایران و تقویت خاتمی گردید. سرنوشتی که بر رشدی مقدر کرده اند گاه حتی رقت انگیز تر از سرنوشت دانشمندانی است که در قرون وسطی میگفتند زمین گرد است و تن به خرمن آتش کلیسا میدادند. زمانی نویسندگان ضد مذهب بورژوا، بخصوص در قرن هژدهم، سمبل قدرت و افتخار این طبقه بودند، امروز کسی که در یک رمان چیزی به پیغمبر اسلام گفته است باید به مضحکه های نظیر آنچه که ذکر شد، دل خوش کند!

آیا این از قدرت اسلام و نفوذ مذهب است؟ خیر. مشکل سلمان رشدی، و به همراه او "حق آزادی بیان" در این است که سرنوشت اینها به دست دلقگاهی نظیر تونی بلر ادامه در صفحه ۸



مصاحبه بی بی سی با فاتح شیخ الاسلامی درباره انتخابات مجلس خبرگان رژیم

از نظر حزب کمونیست کارگری ایران مجلس خبرگان هم در کنار نیروهای سرکوب و بقیه دم و دستگاہهای رژیم نهادی است در خدمت تحکیم حکومت مذهبی و سلب هرگونه آزادی از مردم. صفحه ۷

سخنرانی ابراهیم یزدی در سوئد توسط مخالفین جمهوری اسلامی به هم زده شد

افرادی مانند یزدی که در سر کار آمدن رژیم جنایتکار اسلامی نقش مهمی داشته اند از نظر مردم ایران مجرم شمرده میشوند و همراه با سران رژیم اسلامی باید در یک دادگاه محاکمه شوند. صفحه ۵

۱۰ سوال از ابراهیم یزدی

۱- شما جزو محفل رایزنان بسیار نزدیک خمینی بودید که او را بقدرت رساند و با چنین اقدامی یک دور طولانی از اختناق، ترور، ایدای مذهبی و آپارتاید جنسی را باعث شدید که تا این زمان منجر به اعدام دهها هزار و آوارگی میلیونها نفر دیگر شده است. آیا شما با کمک به برقراری این رژیم ضدانسانی و تحکیم مبنای آن از همان روز نخست روی کار آمدنش شریک جرم این جنایات نیستید؟

۲- درباره این حقیقت چه میگوئید که در همان سال نخست انقلاب، زمانی که صدها نفر به جرم مبارزه برای آزادی از طرف رژیم اسلامی اعدام شدند شما جزو کسانی بودید که با همکاری اوباش چماقدار نظیر ماشاءالله قصاب به تحکیم حاکمیت خونین این رژیم کمک کردید (با استناد به مصاحبه خودتان با روزنامه نيمروز شماره ۵۰۲ مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۸)؟

۳- درباره این حقیقت چه میگوئید که شما جزو طراحان اساسی ایجاد سپاه پاسداران بودید و این نهاد از بدو تشکیل تاکنون در تحکیم حاکمیت ترور و ضدانسانی رژیم اسلامی و تحمیل یک فضای مختنق بیسابقه در ایران نقش مهمی داشته است؟

۴- شما عضو شورای به اصطلاح انقلاب بودید و سپس در سمت وزیر امور خارجه در کابینه بازرگان حضور داشتید، آیا این حقیقت دارد که زمانی که نیروهای مسلح رژیم یک موج بیسابقه خشونت و نسل کشی در منطقه کردستان و ترکمن صحرا پراه انداختند که به قتل هزاران نفر، اعدام حتی مجروحین بر برانکارشان و مثله شدن سالمندان و کودکان انجامید شما در مرکز همه این قساوت سعی داشتید برای رفتار جنایتکار رژیم اسلامی مشروعیت بدست آورید؟

۵- چرا شما هیچوقت تاکنون وجود آپارتاید جنسی در ایران را زیر سوال نبرده اید یعنی وضعیتی که به جداسازی جنسی در معابر عمومی، تحمیل حجاب بر زنان، شلاق زدن زنانی که ناقص مقررات حجاب اسلامی هستند، ممانعت از آزادی زنان در تعیین رشتههای علمی و حرفهای مورد علاقهشان و مقید کردن مسافرت آنها در داخل و خارج کشور به اجازه همسر یا پدرشان انجامیده و در عمل نیمی از جمعیت ایران را به شهروندان درجه دوم تنزل داده است، و پدوفیلی و تجاوز به دختران نه ساله را به نام آمادگی شرعی برای ازدواج قانونی کرده است؟

۶- به حکم تعصب کور مذهبی تان شما هیچوقت منتقد قانون عهد ادامه در صفحه ۷

۱۰ سوال از فائزه هاشمی رفسنجانی

۱- نظر شما در مورد قانون اسلامی ازدواج دختران ۹ ساله چیست؟ از نظر ما و صدها میلیون انسان در سراسر جهان این سوء استفاده جنسی از کودکان و تجاوز به آنهاست، و به کسانی که به این جنایت دست میزنند پدوفیل گفته میشود. نظر خانم رفسنجانی در این مورد چیست؟

۲- نظر شما راجع به آزادی روابط جنسی چیست؟ آیا بزرگسالان مجازند بدون دخالت جامعه، خانواده و دولت و قوانین اسلامی با یکدیگر رابطه داشته باشند؟ نظرتان راجع به قانون وحشیانه قصاص اسلامی و کندن گودالهایی در زمین و فرو کردن زنان در این گودالها و پرتاب سنگ و زجرکش کردن آنان به این خاطر که رابطه جنسی خارج از ازدواج داشته اند چیست؟ آیا تاکنون زنی را در حال سنگسار شدن دیده اید، دفاعتان از این جنایات هولناک و وحشیانه رژیم اسلامی چیست؟

۳- بیست سال است رژیم شما هرگونه آزادی را از زنان گرفته و زنان حتی حق انتخاب رنگ لباسشان را هم ندارند. آنها مجبورند خود را در کیسه هائی سیاه و زشت بپیچانند. بیست سال است شادی و حتی حق خندیدن را هم از زنان گرفته اند. سی میلیون زن بیست سال است تحت یک آپارتاید جنسی تمام عیار شکنجه میشوند. از نظر ما و صدها میلیون انسان سراسر جهان، آزادی پوشش حق بدیهی و اولیه هر انسانی اعم از زن و مرد است. شما چگونه از این وحشیگری رژیم تان دفاع میکنید؟

۴- چرا دختر بچه ها را به رعایت حجاب اسلامی و شرکت در مراسمهای شنیع "جشن تکلیف" ادامه در صفحه ۷

با تلاش فعالین حزب کمونیست کارگری سفر فائزه رفسنجانی به هلند با افتضاح کامل روبرو شد و موجی از رسوایی برای رژیم اسلامی ببار آورد

بدعت دانشگاه لیدن هلند و بمناسبت گشایش بخش "اسلام شناسی" آن دانشگاه، قرار بود فائزه هاشمی رفسنجانی در کنفرانس یکروزه ای در ۲۰ اکتبر زیر عنوان "اسلام در جهان مدرن امروز" سخنرانی کند! فعالین حزب کمونیست کارگری و واحد تشکیلات خارج کشور حزب در هلند از دو هفته قبل با صدور اطلاعیه های پی در پی و تماس با مطبوعات محلی شهر لیدن و مطبوعات سراسری هلند، وسیعا علیه حضور فائزه رفسنجانی بعنوان نماینده رژیم جنایتکار اسلامی تبلیغ کردند و پیرامون تلاش دول غربی برای سرپوش گذاشتن بر دو دهه جنایت رژیم اسلامی و مشروعیت دادن به حاکمیت نکبت بار اسلام از جمله از طریق چنین "دعوت هایی به افشاکاری پرداختند. ۸ اکتبر تشکیلات خارج کشور حزب واحد هلند طی اطلاعیه ای (مندرج در ایسکرای ۱۴) فراخوان داد: به حضور فائزه رفسنجانی در هلند اعتراض کنید! و برای برگزاری تظاهرات اعتراضی در ۲۰ اکتبر به بسیج و تبلیغ وسیع دست زد.

از طرف دیگر کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران نیز طی اطلاعیه هائی به حضور فائزه رفسنجانی در هلند اعتراض کرد. مینا احدی سخنگوی سراسری کمپین و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران برای رساندن صدای اعتراض کمپین به حضور این نماینده رژیم اسلامی، شخصا به شهر محل برگزاری کنفرانس سفر کرد.

در روزهای قبل از برگزاری کنفرانس شمار زیادی از مطبوعات هلند با مینا احدی و محمدرضا پویا کادر حزب کمونیست کارگری مصاحبه کردند. این افشاگریها حمایت و سمپاتی قابل توجهی در سطوح مختلف جامعه هلند، بویژه در خود شهر لیدن برای آکسیون ۲۰ اکتبر جلب کرد و سرانجام روز ۲۰ اکتبر، تظاهرات و اعتراضات گسترده در درون و بیرون کنفرانس، مانع از سخنرانی و حضور فائزه رفسنجانی، نماینده رژیم جنایتکار و زن ستیز اسلامی، در کنفرانس مزبور شد. اعتراضات گسترده و رادیکال، هم برای رژیم اسلامی و هم برای شخص فائزه رفسنجانی رسوائی و بی آبرویی ببار آورد، بطوریکه پارلمان هلند که قرار بود روز بعد از کنفرانس فائزه رفسنجانی در آن حضور یابد و سخنرانی کند بر اثر همین اعتراضات او را نپذیرفت.

آکسیون اعتراضی و مجموعه افشاگریهای حزب کمونیست کارگری علاوه بر بیرون انداختن فائزه رفسنجانی از مجامعی که قرار بود در آنها حضور یابد، باعث شد که گوشه هایی از حقایق جنایات رژیم اسلامی به گوش مردم هلند و دنیا برسد. واضح است که سران رژیم و همه کسانی که در روی کار آوردن رژیم اسلامی و ادامه حیات نکبت بار آن نقش داشته اند، پس از افتضاح سفر فائزه رفسنجانی دیگر بسادگی به حضور در خارج کشور فکر نمی کنند.

به اطلاعیه ها و اخبار مربوط به این آکسیون در صفحه حزب (ص ۴) توجه کنید.

مصاحبه رادیو انترناسیونال استکهلم با منصور حکمت درباره تنش بین جمهوری اسلامی و طالبان

رادیو انترناسیونال: در بیانیه اصول سیاست حزب کمونیست کارگری ایران و همچنین گفتگوی شما راجع به این مساله در ایسکرا علاوه بر تنش و احتمال جنگ بین رژیم اسلامی ایران و طالبان، توجه ویژه ای به پدیده طالبان و بعد منطقه ای آن شده، چرا طالبان مورد توجه خاصی قرار گرفته و این توجه در مورد شاه مسعود و ربانی و بقیه نیست؟

منصور حکمت: بنظر من مساله

آنقدر بر سر شاه مسعود و ربانی و غیره نیست که بر سر یک کاسه شدن وضعیت قدرت در افغانستان و مسجل شدن حکومت یکی از این باندهاست، بخصوص باند طالبان که بطور نسبی از همه ارتجاعی تر و عقبمانده تر است. اگر از یک زن افغانی پرسند در چه شرایطی میخواهی زندگی کنی، بالاخره بین این حالتی که در افغانستان میتواند پیش بیاید طالبان را آخر لیست خود قرار

میدهد. در نتیجه بعنوان یک عده آدم که در این منطقه زندگی میکنند، من شخصا و فکر کنم خیلی از کسانی که ناظر این اوضاع هستند نگرانند از اینکه طالبان قدرتش در افغانستان یک کاسه بشود و تبدیل به جمهوری اسلامی ثانی ای بشود که دیگر زیر سوال نیست، میتواند سفارتخانه دایر کند، وزارت فرهنگ داشته باشد، شروع کند مالیات گرفتن، زندانها و دادگاههایش را سازمان بدهد و غیره. تا وقتی که طالبان صرفا نیروئی است در صحنه افغانستان، امید به شکست خوردن و عقب راندنش هست ولی اگر بنا باشد بعنوان یک دولت در افغانستان مستقر شود آتوقت نه فقط مردم افغانستان بلکه هرکس که خودش را جای مردم افغانستان بگذارد، از چنان وضعیتی شوکه میشود. در نتیجه طالبان و یک کاسه شدن قدرتش پدیده مهمی است، و قطعنامه ما و بحثی که من در مصاحبه با نشریه ایسکرا کرده ام دقیقا متوجه به این است که یک بعد مهم این تنش بین جمهوری اسلامی و طالبان میتواند این باشد که در راه یک کاسه شدن قدرت طالبان در افغانستان سنگ بیندازد و فرجه هایی را باز نگه دارد برای انسانهای باشرف که بتوانند در این وضعیت دخالت کنند.

رادیو انترناسیونال: از زاویه مردم افغانستان نگاه کنیم، در آن مصاحبه گفته اید اگر بریکاردهای سرخی وجود میداشت میبایست میرفتند و کار طالبان را یکسره میکردند ولی بریکاد سرخی نبود، جمهوری اسلامی از راه رسید و عنوان رهائی بخش به خود داد. صرف طرح این مساله آیا مدالی نیست که به جمهوری اسلامی با گشاده نظری داده شود؟

منصور حکمت: اینطور نیست چون ما حرف خودمان را میزنیم، واضح است که هر کسی بخواهد میتواند هر حرفی را بچسباند و ادعا کند که از این بحث آن در می آید. حرف ما خیلی مشخص است؛ اولین بند بحث من و قطعنامه این است که ما طرفدار سرنگونی هر دو رژیم هستیم، ما وجود اینها را ننگ میدانیم بر صفحه تاریخ بشریت، ما در کار سرنگونی اینها هستیم، ما جریانی در قطب دشمن و مقابل اینها هستیم. حال به تنش اینها نگاه میکنیم ببینیم در مجموعه معادلاتی که نه دو طرف بلکه چند طرف دارد، که یکطرف آن خود ما هستیم، چه تاثیری میگذارد؟ مدال اگر بدهیم به خودمان میدهیم. ما همیشه به جنبش آزادیخواهی مدال داده ایم، به جنبش سوسیالیستی داده ایم. چطور ممکن است کسی از بحث ما این را در بیاورد که گویا به جمهوری اسلامی مدال داده شده، صرفا برای اینکه معتقدیم قدرت طالبان ممکن است از این طریق زیر سوال برود و دوباره صحنه سیاسی افغانستان باز بشود. این مدال نیست، این بیان یک فاکت است یک فاکت ساده. اگر تاجیکستان نیروهایش را برده بود یا روسیه نیرویش را برده بود ما همین حرف را میزدیم که این تنش، این بسیج نیرو، بطور عینی کمک میکند که صحنه سیاسی افغانستان باز بشود بخاطر اینکه بسیج نیروی قبلی پاکستان را که داشت این قضیه را یک کاسه میکرد خنثی میکند. بعنوان یک عده آدم عاقل که میتوانند به صحنه نگاه کنند و دوست ندارند طالبان در افغانستان سر کار بیاید، همانطور که دوست نداشتند جمهوری اسلامی در ایران سر کار بیاید، به این قضیه نگاه میکنیم و میگوئیم تحول جالب و قابل توجهی است. اگر در حین جنگ ضدفاشیستی پارتیزانهای فرانسه با ارتش هیتلری، معلوم شود که هیتلر و موسولینی به جان هم افتاده اند، بدون اینکه کسی مدالی به کسی بدهد ممکن است جنگ هیتلر و موسولینی را به فال نیک بگیرد و بگوید این باعث تضعیف دو طرف میشود یا فرجه هایی را برای دخالت ما باز میکند. دیدن این

فاکت بنظر من نشان دهنده بینش داشتن است نه جبهه گیری خاصی به نفع یکی از این دو طرف.

رادیو انترناسیونال: کلمه "فال نیک" را استفاده کردی، من لیستی از کلماتی که در رابطه با این تنش استفاده کرده اید را انتخاب کرده ام: "علاقمندی به قضیه" و "به فال نیک گرفتن" و غیره، تو در برنامه و نوشته های خودت با آلباژ بسیار بالائی از انساندوستی و آسایش انسانها، حرمت و ارزش جان انسانها صحبت میکنی، از طرف دیگر پدیده ای اتفاق افتاده و شما به یک جنگ با تعبیر "فال نیک" اشاره میکنید، چه سرپلی بین اینها وجود دارد؟

منصور حکمت: خیلی روشن است، اینکه خیلی روشن است، شما به بحث "بریکاردهای سرخ" نگاه کنید، اگر ما نیرویش را داشتیم که یک ارتش سرخ از زحمتکشان جهان بسیج کنیم. از هر آدمی که فکر میکند باید رفت زن افغانستانی را از زیر دست طالبان بیرون کشید، باید رفت به جنبش مردم آنجا کمک کرد، وارد جنگ میشدیم. جنگ کلمه اش وحشتناک بنظر می آید و واقعیتش هم تلخ است ولی یک جانی دقیقا انساندوستی حکم میکند که ما بخاطر آن وارد جنگ شویم. من میفهمم که

یک مکتب آرامش طلبی در اروپا از خیلی وقت پیش، از قرن نوزدهم، وجود داشته است که معتقد است به هر مساله ای باید به تدریج و با آرامش رسید. اما این مکتبی نیست که من قبول کرده ام و حزبی نیست که من در آن عضو شده ام، و فکر میکنم نود در صد مردم دنیا بخصوص کسانی که زیر فشارهای سیاسی و نژادی و قومی هستند معتقدند باید جنگ کرد برای اینکه انساندوستی را متحقق کرد. بنظر من این نهایت پشت کردن به انساندوستی است اگر کسی حاضر نشود به طالبان جنگ اعلام کند. اگر ما حکومت کارگری در ایران تشکیل میدادیم، اگر جمهوری سوسیالیستی در ایران تشکیل میشد، یکی از اولین اقداماتش اعلام جنگ به طالبان بود، یکی از اولین اقداماتش بسیج نیرو بود برای برچیدن طالبان، تا آن حدی که بتوانیم. واضح است اگر پاکستان به پشتیبانی اش در بیاید و اگر مساله حساسیت های وسیعی در منطقه بوجود بیاورد ما هم نیرویمان را محاسبه میکنیم. ولی بنظر من کسی که میروود وارد جنگ میشود با فاشیستهای اسپانیا، کسی که با طالبان وارد جنگ میشود، کسی که با آپارتاید در آفریقای جنوبی اعلام جنگ میکند، کسی که به اشغال کردستان اعلام جنگ میکند، دارد از انسانیت دفاع میکند نه اینکه آن را زیر سوال ببرد. با همین استدلال میشود از حزب دمکرات پرسید چرا شما به جنگ جمهوری اسلامی میروید مگر نمی بینید جنگ قربانی های انسانی بجا میگذارد؟ به شما خواهد گفت دوست عزیز! انسانیت یک لحظه نیست، انسانیت یک واقعیت سیاسی – اجتماعی است که بایست آن را متحقق کرد. برای اینکه زن افغانستانی، مرد افغانستانی از زیر یوغ اسلام نکبت بار طالبان از زیر یوغ سرکوب عشیره ای قبیله ای افغانستان، نه فقط طالبان بلکه بقیه دارودسته های اوباش در افغانستان بیرون بیاید باید یک جماعتی علیه آن جنگ اعلام کنند، نمی گویم این همان جنگی است که جمهوری اسلامی اعلام میکند، دارم جواب سوال کلی شما را درباره رابطه جنگ و انسان دوستی میدهم، دقیقا از یک موضع انسانی است که باید وارد جنگ با طالبان شد. دقیقا از یک موضع انسانی است که افتادن یک شیطان دیگر به جان طالبان و تضعیف طالبان را میتوان بعنوان یک پدیده مثبت نگریست و گفت ما فکر میکردیم صحنه سیاسی افغانستان دارد بسته میشود، فکر میکردیم ای داد بیداد طالبان است و مردم افغانستان و بیست سال دیگر مثل سرنوشت ما و بدتر و کثیف تر از این سرنوشتی که ما داریم، بیست سال زن اجازه نداشته باشد بیاید بیرون کار کند که شیرخشک برای بچه اش بخرد، دارند یک نسل را به مرگ محکوم میکنند، آدمها را در خیابان از چنگک آویزان میکنند، معلوم است که باید وارد جنگ شد. اگر کسی بگوید من آرامش طلبم، جواب ما به آرامش طلبان دنیا که علیه انقلاب و علیه قیام مردم و دست زدن به قهر برای تغییر اوضاع تبلیغ میکنند که این انسانی نیست، همیشه این بوده که نهایت انسانیت و بالاترین شاخص انسانیت اینست که کسی حاضر باشد از جان خودش و رفاه و آسایش خودش بگذرد برای اینکه این وضعیت را تغییر بدهد. وارد جنگ برای تغییر جهان بشود.

رادیو انترناسیونال: برمیگردیم به مساله جمهوری اسلامی و طالبان، شما در مصاحبه تان با ایسکرا اشاره کرده اید که اگر به این موقعیت با هشیاری برخورد بشود میتوان بخوبی از آن استفاده کرد، این هشیاری چه نوعی است؟

منصور حکمت: بنظر من اولین هشیاری اینست کسی از موضع فابیانسم بریتانیای صد سال پیش سراغ این قضیه نرود که آی شلوغ میشود، تازه قسط یخچالمان دارد تمام میشود، تازه جاگیر شده ایم اینجا، میخواهیم به جهان دمکراسی ثابت کنیم که اگر چپی بوده ایم حالا انساندوست شده ایم. بیاییم دخالت را محکوم کنیم، بیاییم نیرو بسیج کنیم و اینها را به آرامش و صلح دعوت کنیم. اولین نشان هشیاری اینست که بفهمیم این سم است برای انسانیت در منطقه. اگر

شما در مقیاس منطقه ای فکر کنید و واقعا دلتان برای مردم افغانستان سوخته باشه و واقعا فکر نکنید شرایط افغانستان علی السویه است و میشود چندین میلیون مردم آنجا در آن وضعیت زندگی کنند و من و شما در خانه خودمان آزاد باشیم، اگر کسی اینطور فکر کند میگوید این تنش وضعیت مناسبی را پیش آورده است، اگر این وضعیت اجازه بدهد کمونیستهای افغانستان در مناطقی خودشان را جمع و جور کنند، اجازه بدهد نیروهای مخالف طالبان دوباره مزار شریف و بامیان را بگیرند و طالبان از موقعیت "دولت" به موقعیت یک نیروی فاکشنی که تا دیروز بوده تقلیل پیدا کند و در نتیجه صحنه سیاسی افغانستان، که داشت میرفت بسته شود، جا پیدا کند برای یک نوع، اگر نه پلورالیسم، بهرحال امکان دخالت همه؛ این به نفع ماست. ما باید این کار را بکنیم. اگر افغانستان دوباره باز بشود و کنترل طالبان روی بعضی مناطق سست بشود، امکان میدهد چهار تا آدمی که میخواهند بروند برای نجات افغانستان کار کنند، بتوانند آنجا نیرو جمع کنند، تبلیغات کنند، اگر کسی از دست طالبان ناراحت است شاید بتواند شبانه جانش را با دندانش بگیرد و برود در آن منطقه زندگی کند، اقلا با یک درجه ایمنی بیشتر و انسانیت بیشتر. اینها همه یعنی هشیاری.

در رابطه با ایران هم این هشیاری معنی مهمی دارد. فرض غلطی که در بحث عده ای هست اینست که گویا رژیم ایران شرایط جنگی و اوضاع فوق العاده اعلام میکند، بگیر و ببند میشود و فضا بسته میشود و این به نفع جناح خامنه ای است و اوضاع را در ایران اختناق آمیز میکند. حتما عده ای سعی میکنند این کار را بکنند، شک نیست. ولی جنگ با طالبان جنگ با عراق یا پاکستان نیست که بتوانند استنتاجات کشوری برای ایران بکنند و بگویند شما در دزفول باید بیشتر کار کنید جانم! شورا پورا مالیده جانم! یا هرچه که سابق می گفتند یا فرضا فلان روزنامه را در تبریز باید ببندند چون جمهوری اسلامی در مرز خراسان با گروههای پارتیزانی طالبان مشغول جنگ و گریز است. این قضیه این برد را ندارد. از آن طرف چیزی که دارد، و در صحبت سران رژیم میشود بخوبی دید، اینست که کسیکه میخواهد به جنگ طالبان برود علیه طالبان تبلیغ میکند و یک رگه تبلیغ رژیم علیه طالبان اینست که اینها قشری و عقبمانده اند، تلقی درستی از اسلام ندارند، خون بچه هشت ساله را مباح میدانند، با زن این رفتار را میکنند و غیره. فکر کنید اگر بلندگوهای رژیم حتی یک در صد آنچه را که تا حالا از افغانستان منعکس میشود را بعنوان یک روایت غلط از اسلام تبلیغ کنند که خود خامنه ای دارد این کار را میکند، چقدر فضای جامعه برای فحش دادن و حمله عمومی به اسلام خود رژیم جمهوری اسلامی و به همان قشریگری از نوع ایرانی اش بازرتر میشود. نمیتوان به جنگ طالبان رفت، یک جناح اسلامی به جان یک جناح دیگر اسلامی بیفتد، که افتاده است، بدون اینکه فضا برای تبلیغات علیه کل شان و فصل مشترکشان در جامعه باز بشود، و تا همین الان این شده. همین امروز در ایران وقتی عده ای تظاهرات میکنند و شلمچه ایها و انصار حزب الله به آنها و به تجمعات مردم اینجا و آنجا حمله میکنند، شعاری که علیه آنها داده میشود اینست: طالبان! طالبان! پس خیلی روشن است و عقل زیادی نمی خواهد که این از نظر تبلیغی، رژیم جمهوری اسلامی را در آمپاس قرار میدهد و هرکس در ایران، در تهران، بخواهد به قشریگری رژیم و به وضعیتی که اینها سر زنان در آورده اند حمله کند، خیلی راحت میتواند استناد کند که این همان کاری است که طالبان میکند و سپاه پاسداران به جنگشان رفته است. این بطور جدی موقعیت ایدئولوژیکی رژیم را دشوار میکند. بحث خیلی ساده ای است، وقتی یک جریان مذهبی با یک جریان مذهبی دیگری جنگ میکنند شکافها در درون صف مذهبی باز شده و از این شکاف آدمهای هوشیار میشود رخنه کنند و فعالیت کنند.

رادیو انترناسیونال: در صحبت هایی که علیه مواضع تو مطرح میشود بلافاصله زوم میشود روی جنگ. اگر بریکاردهای سرخ باشد، دفاع از کردستان باشد، این قابل پذیرش است ولی اینجا جمهوری اسلامی است، بحث سر سربازگیری است، سر خمپاره و توپی است که فرود میاید، تلفاتی است که بهرحال مردم فرزندان خودشان را در جبهه ها از دست میدهند. چطور میشود این را پذیرفت؟

منصور حکمت: ببینید این جنگ جمهوری اسلامی با طالبان است و نه جنگ مردم ایران، در نتیجه ما بحثمان این نیست که مردم از این جنگ استقبال کنند و به جبهه بروند. سپاه پاسداران یک سازمان داوطلب است. ما هر جا هر چه را بخواهیم در این روند محکوم می کنیم و هر چه را نخواهیم محکوم نمی کنیم. آن چیزی که ما محکوم می کنیم خمپاره باران است، سربازگیری اجباری است ولی نفس اینکه حزب الله ایران با حزب الله افغانستان به جان هم بیفتند قابل محکوم کردن نیست. شما نمیتوانید جنگشان را محکوم کنید بدون اینکه بر صلحشان حکم مشروع بزنید. کسی که میاید الان تنش بین طالبان و جمهوری اسلامی را محکوم می کند دارد می گوید صلح شما پذیرفتنی است. دارد میگوید اگر بنشینید و به صورتی اختلافتان را حل و فصل کنید از نظر من مشروعیت دارد این چیزی است که این دوستان متوجه نمی شوند. ما نمی توانیم پروسه ای را محکوم کنیم بدون اینکه شرایط قبل از شروع این پروسه را مشروعیت داده باشیم. این اشکال کار است. جنگ است و در جنگ توپ و خمپاره میاید، باید علیه این فعالیت کرد باید علیه بردن این جنگ به محیط زندگی و کار مردم فعالیت کرد. ولی اینکه نیروی الله اکبر جمهوری

ایسکرا
 سردبیر: فاتح شیخ الاسلامی
 E-Mail: fa.shaik@swipnet.se
 همکار فنی: غلام اکبری

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در هلند مانع برگزاری سخنرانی فائزه رفسنجانی شدند

اطلاعیه ۲۰ اکتبر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد هلند:
 قرار بود امروز ۲۰ اکتبر ۹۸ فائزه رفسنجانی نماینده مجلس شورای اسلامی، بعنوان مسئول المپیک زنان! ایران در لیدن هلند سخنرانی کند. از چند روز پیش که خبر این سخنرانی به فعالین حزب در هلند رسید تلاش تبلیغاتی گسترده‌ای در اعتراض به این سخنرانی و افشای نمایندگان رژیم اسلامی و بیحقوقی زنان در ایران توسط فعالین حزب شروع شد. رسانه‌های متعددی طی مصاحبه‌های خود با فعالین حزب کمونیست کارگری سیاست حزب کمونیست کارگری را در مورد حضور نمایندگان رژیم در خارج کشور و نیز نظر حزب در مورد وضعیت زنان در ایران، قوانین اسلامی در مورد زنان، حجاب اسلامی، سنگسار و ورزش زنان منعکس کردند. این مساله در روزهای اخیر بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های هلند و در میان مقامات دولت هلند یافت و به صدر گزارشات رسانه‌های هلند کشیده شد. اعتراضات به دعوت از نماینده جمهوری اسلامی در جامعه هلند نیز بالا گرفت و از جمله اعضای شورای شهر لیدن و کارمندان شهرداری به مسئولین دانشگاه لیدن بخاطر دعوت از فائزه رفسنجانی اعتراض کردند.

به فراخوان واحد حزب در هلند و کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران امروز آکسیون قدرتمندی درمقابل ساختمان محل سخنرانی برگزار شد. با ورود فائزه رفسنجانی به داخل سالن و شدت اعتراض حاضرین، فائزه رفسنجانی سالن را ترک کرد. مسئولین جلسه اعلام کردند که فائزه رفسنجانی سخنرانی نخواهد کرد. آنگاه مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب و سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان به مدت ده دقیقه در مورد بیحقوقی زنان تحت حاکمیت رژیم اسلامی و فجایعی که رژیم در طول بیست سال بر مردم و زنان حاکم کرده است به زبان آلمان سخنرانی کرد. این سخنرانی با استقبال گرم ۱۵۰ نفر از حاضرین که اکثرا هلندی بودند و با کف زندهای مکرر آنان مواجه شد. سپس مینا احدی در میان جمعیت بیرون سالن سخنرانی کرد.

بدنبال بهم خوردن جلسه رفسنجانی، مسئولین برگزاری این سخنرانی به میان جمعیت معترض آمدند و بخاطر اشتباهشان در دعوت از فائزه رفسنجانی نماینده جمهوری اسلامی معذرتخواهی کردند.

امروز نیز مصاحبه‌های متعددی با رسانه‌های هلند اعم از کانالهای مختلف تلویزیون، رادیو و روزنامه‌های سراسری هلند با محمد رضا پویا و مینا احدی انجام شد. دراین مصاحبه‌ها موقعیت زنان در ایران، قانون اساسی ارتجاعی رژیم، و آپارتاید جنسی حاکم بر ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

ما همانطور که مکررا اعلام کرده ایم حضور نیروهای رژیم جنایتکار اسلامی در خارج کشور را تحمل نخواهیم کرد و از سخنرانی نمایندگان آن ممانعت بعمل خواهیم آورد.

گزارشی از آکسیون ممانعت از سخنرانی فائزه رفسنجانی و بازتاب آن از واحد حزب در هلند:

پس از شایعه آمدن فائزه هاشمی ما بلافاصله دست به تحقیق برای روشن شدن صحت و سقم این مساله زدیم. سه هفته قبل از آمدن فائزه ما از طریق تماسهای متعدد با دانشگاه لیدن اطمینان یافتیم که سخنرانی وی در شهر لیدن انجام میگیرد. بخش اسلام شناسی دانشگاه لیدن برای افتتاحیه خود از فائزه دعوت نموده بود. برنامه اولیه ما این بود که با اعتراضات خود در سالن محل جلسه، از برگزاری سخنرانی او جلوگیری کنیم. اطلاعیه‌ای صادر و از همه نیروهای آزادیخواه دعوت شد که در این آکسیون شرکت کنند. پس از مشورتهایی با ارگانهای بالاتر حزبی به این نتیجه رسیدیم که برگزاری تظاهرات در آن روز از لحاظ تبلیغی مفیدتر است. از اینرو میبایست سرعت وارد عمل می شدیم. مهمترین مسائلی که با آن روبرو بودیم امر تبلیغات و بسیج نیرو برای تظاهرات بود. اطلاعیه‌هایی برای سرعت بخشیدن بکار بزبانهای فارسی، هلندی و انگلیسی صادر گردید و برای نیروهای چپ هلندی و مطبوعات ارسال گردید. مضمون اطلاعیه‌ها بیشتر در مورد مساله زنان و قوانین اسلامی در ایران بود. ما تنها نیرویی بودیم که رسماً اعلام تظاهرات نموده بودیم. روزنامه‌های سراسری هلند با ما تماس گرفتند تا نظرات حزب را در مورد حضور عوامل رژیم اسلامی در خارج کشور، فمینیسم اسلامی، وضعیت زنان و تحولات سیاسی در ایران جویا شوند (جزئیات این مساله در اطلاعیه شماره ۴ آمده است)، و بدینوسیله افکار عمومی هلند وسیعاً در جریان قرار گرفت. رسانه‌های گروهی از تلویزیون و رادیو و روزنامه‌ها در روز اعتراض با ما مصاحبه کرده و مفصلاً پخش کردند.

چگونگی برگزاری آکسیون در ۲۰ اکتبر:

آکسیون ساعت ده و نیم صبح مقابل سالن شهرداری لیدن شروع شد. روزنامه صبح هلند مصاحبه با محمدرضا پویا بعنوان سخنگوی حزب در هلند در مورد علت برگزاری این اعتراض، موضع حزب در مقابل جمهوری اسلامی و همدستی وزارت دادگستری هلند در برگزاری این جلسه، را بچاپ رسانید. از تمامی ایستگاههای رادیویی و

تلویزیونی و روزنامه برای تهیه گزارش به محل آمده بودند. ما قبلاً برای همه آنها اطلاعیه‌های حزب را فاکس کرده بودیم به همین علت در محل تظاهرات برای مصاحبه در جستجوی ما بودند. با اکثر آنها مصاحبه کردیم. دیگر کاملاً مسجل بود که در چنین فضائی نماینده رژیم اسلامی سخنرانی نخواهد کرد. بعد از انصراف فائزه از سخنرانی، مسئول برنامه یعنی کسی که فائزه را به هلند دعوت نمود، پشت میکروفون رفت و اعلام کرد که سخنرانی فائزه در ساعت مقرر برگزار نمیشود. با اعلام این موضوع و بهم خوردن سخنرانی فائزه، مینا احدی به زبان آلمانی شروع به سخنرانی کرد. مینا با سخنرانی خود فضای سالن را بدست گرفت. سخنرانی او که در مورد وضعیت زنان ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بود با دست زدن ممتد حاضرین مرتباً قطع میشد. هنگام سخنرانی معاون وزیر دادگستری هلند که میخواست پیام فائزه را بخواند اعتراض مجدداً بالا گرفت و علیرغم دخالت پلیس سخنرانیها ادامه پیدا نکرد. رفقای بیرون که تعدادشان به ۱۰۰ نفر میرسید با دادن شعار از آکسیون داخل سالن حمایت کردند. مسئولین جلسه بیم داشتند کنترل از دستشان خارج شود. حدود ساعت یک ظهر یکی از آنها به میان تظاهرکنندگان خارج سالن آمد و اعلام کرد که خانم فائزه سخنرانی نخواهد کرد، ما اعتراض شما را پذیرفتیم. و بدین ترتیب آکسیون پایان رسید.

در این تظاهرات صدها اطلاعیه حزبی بزبانهای مختلف پخش شد. همچنین مینا احدی، بهمن خانی و محمدرضاپویا با روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون مصاحبه کردند. آن روز خبر آکسیون در صدر اخبار کانالهای مختلف تلویزیونی بود که مصاحبه‌های ما را بعنوان سخنگویان این حرکت پخش کردند.

بازتاب افشگری و آکسیون ما

وسعت کار تبلیغی ما علیه حضور فائزه رفسنجانی در هلند، موجب جنب و جوش در میان مهاجرین ایرانی گردید و به بحث روز تبدیل شد. اولین بار بود یکی از عوامل رژیم اسلامی به هلند دعوت شده بود و در مقابل در خواست حزب برای اجازه تظاهرات، پلیس و شهرداری شهر لیدن نگران بودند کنترل اوضاع در ۲۰ اکتبر از دستشان خارج شود.

در پی ارسال اطلاعیه‌ها و فراخوان به اعتراض حزب، روزنامه‌های مختلفی با نمایندگان حزب تماس گرفته و با آنها مصاحبه کردند.

- ۱۸ اکتبر روزنامه محلی لیدن با مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و محمدرضا پویا کادر حزب مصاحبه کرد. در این مصاحبه‌ها ضمن اعتراض به دعوت از فائزه رفسنجانی، مواضع حزب در مورد مساله زنان در ایران و جنایات جمهوری اسلامی، تشریح شد که در صفحه اول روزنامه بچاپ رسید. - افشای جنایات جمهوری اسلامی و فشار تبلیغاتی حزب موجب بلند شدن اعتراض بر علیه سخنرانی فائزه رفسنجانی، در شهرداری لیدن گردید. دو تن از اعضای شورای شهر لیدن در تماس تلفنی با بهمن خانی دبیر حزب در هلند، به شرکت فائزه رفسنجانی در جلسه ۲۰ اکتبر انجمن "اسلام در جهان مدرن امروز" که در سالن شهرداری برگزار میگردید، اعتراض کردند.

- آقای ایگون اسلندرز نماینده حزب دمکراتهای ۶۶ در شورای شهر لیدن در مصاحبه مطبوعاتی خود، به برگزار کنندگان این جلسه اعتراض نمود و از آکسیون اعتراضی ۲۰ اکتبر حمایت کرد. در دانشگاه لیدن نیز اعتراضاتی شروع شد.

- ۱۹ اکتبر: روزنامه‌های سراسر TROUW , Gemeendagblad و کانال تلویزیونی NOS با محمدرضا پویا مصاحبه کردند. وی ضمن دادن اطلاعات بیشتر در مورد آکسیون ۲۰ اکتبر، مواضع حزب در مورد مساله زنان، قوانین اسلامی در ایران، فمینیسم اسلامی و تحولات سیاسی در ایران، را تشریح کرد.

- ۲۰ اکتبر: روزنامه محلی لیدن در محل آکسیون با مینا احدی مصاحبه کرد. در این مصاحبه او به توضیح مسائل مختلف از جمله وضعیت زنان تحت حاکمیت رژیم اسلامی، افشای جنایات ۲۰ ساله حکومت اسلامی در ایران و علت برگزاری آکسیون اعتراضی حزب علیه حضور فائزه رفسنجانی در هلند پرداخت.

- ۲۰ اکتبر: روزنامه Trouw مصاحبه با محمدرضا پویا را به تفصیل به چاپ رساند. او به وزارت خارجه هلند از بابت دعوت فائزه رفسنجانی اعتراض کرد و اینرا ادامه پروژه "ایران امن" وزارت خارجه نامید. سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ، امن دانستن ایران را انکار کرد و گفت ما هیأتی را جهت بررسی وضعیت به ایران فرستاده ایم.

- ۲۰ اکتبر: محمدرضا پویا در مصاحبه با ۳ ایستگاه رادیویی، دو کانال سراسری تلویزیونی و سه روزنامه سراسری مسائل مختلف از جمله آکسیونهای اخیر حزب علیه حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی و قوانین اسلامی در مورد زنان در ایران را تشریح کرد.

- خبر آکسیون ۲۰ اکتبر در صدر اخبار کانالهای مختلف تلویزیونی قرار گرفت. کانال سراسری RTL4 در دو بخش خبری ضمن نشان دادن صحنه‌هایی از اعتراضات، مصاحبه با محمدرضا پویا و بهمن خانی را پخش کرد.

کانالهای سراسری تلویزیونی هلند ۱ و ۲ و ۳ و SBS با پخش تصویرهایی از اعتراضات داخل سالن، خبر بهم خوردن جلسه فائزه رفسنجانی را اعلام کردند.

- یکی از سخنگویان انجمن "اسلام در جهان مدرن امروز" در مصاحبه خود پلیس را به سهل انگاری در حفظ نظم جلسه و حفاظت

از فائزه رفسنجانی متهم کرد. در عکس العمل به این گفته‌ها پلیس لیدن اعلام کرد که در انتظار چنین اعتراضی نبوده و قرار بر یک اعتراض آرام بود.

- ۲۱ اکتبر: مجلس هلند با مشاهده اعتراضات، از پذیرفتن فائزه رفسنجانی بعنوان مهمان پارلمان هلند خودداری کرد.

- ۲۱ اکتبر: فائزه رفسنجانی در مصاحبه با روزنامه‌ها در سفارت جمهوری اسلامی گفت رسماً از دولت هلند بعلت بهم خوردن جلسه و عدم محافظت از او شکایت خواهد کرد. وی گفت اگر اینها نمیتوانند در اینجا از ما محافظت کنند، بهتر است که دیگر به اینجا نیاییم. در پاسخ به این اظهارات، نماینده دولت گفت دولت در این زمینه هیچ مسئولیتی بعهده نمیگیرد.

- ۲۱ اکتبر، رسانه‌ها:

روزنامه دست راستی Telegraaf پر فروشترین روزنامه در هلند است در صفحه اول خود با چاپ عکسی از فائزه رفسنجانی مینوسد: او از اینکه جلسه اش بهم خورده و از طرف پلیس به اندازه کافی محافظت نشده، بسیار عصبانی است. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران اطلاع داده بود که دست به اعتراض خود زد. این تشکیلات برنامه بهم زدن برنامه فائزه رفسنجانی را در دستور داشت، اینرا از خلال گفته‌های محمدرضا پویا سخنگوی این حزب در هلند میشود فهمید که گفته بود "او نماینده رژیمی است که مردم در مخالفت با آن از ایران فرار کرده اند".

روزنامه سراسری Volks krant دومین روزنامه هلند: این روزنامه با درج خبر و گفتگو با استادان دانشگاه‌ها "استقلال" انجمن یاد شده را زیر سوال برده است. روزنامه با استناد به گفته سخنگوی حزب اعلام کرد که فائزه رفسنجانی مدافع قانون وحشیانه سنگسار است.

روزنامه سراسری Trouw در صفحه اول خود ضمن توضیح وقایع ۲۰ اکتبر نوشت: در بیرون اعضای حزب کمونیست کارگری ایران و مجاهدین خلق مشغول تظاهرات بودند و عده‌ای از اعضای آنها برای اعتراض بداخل سالن رفتند. در داخل سالن علاوه بر اعضای این دو گروه یک تشکیلات زنان ایرانی نیز حضور داشت.

روزنامه محلی لیدن نوشت: جلسه دیروز از کنترل خارج شد. حزب کمونیست کارگری ایران و شورای پناهندگان ایرانی قبلاً اعلام کرده بودند که علیه حضور فائزه رفسنجانی دست به اعتراض خواهند زد. آنها از این دعوت بسیار عصبانی بودند.

پیام به مردم انساندوست، نیروهای مترقی، سوسیالیستها و کارگران هلند افتتاح دعوت از فائزه رفسنجانی

در چند روز گذشته جامعه هلند با گوشه‌ای از حقیقت آنچه در صحنه تحولات اجتماعی ایران میگذرد آشنا شد. قرار بود فائزه رفسنجانی نماینده مجلس اسلامی، مسئول المپیک زنان! در دانشگاه لیدن سخنرانی کند. این تلاش دولت هلند برای دادن تریبون به نماینده رژیم اسلامی با اعتراض فعال تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و مخالفان رژیم اسلامی و با مخالفت بخشهایی از مردم هلند شکست خورد. ما قبلاً اعلام کرده بودیم که اجازه نخواهیم داد نمایندگان این رژیم جنایتکار در خارج از ایران، آنجائیکه درجهای از آزادی بیان و ابراز وجود سیاسی برسمیت شناخته شده است، حضور داشته باشند. همانگونه که تاکنون هیچ جنبش ضد فاشیستی در اروپا اجازه نداده است تا نمایندگان و مشاوران دولت هیتلر و موسولینی در جایی سخنرانی کنند.

دعوت دولت هلند از فائزه رفسنجانی بمنظور سخنرانی پیرامون "اسلام و مدرنیته" تلاشی بود آشکار و وقیحانه برای مشروعیت بخشیدن به رژیم آدمکشان اسلامی. کوششی بود بیهوده در تداوم بخشیدن به حیات سیاسی رژیم بیش از صد هزار اعدام. رژیم شکنجه، رژیم ضدیت با نفس موجودیت زن، رژیم سرکوب کارگر، رژیم خفقان اسلامی، در شرایطی که جامعه ایران تحولات حساس و تعیین کننده‌ای را پیش رو دارد. این دعوت با افتتاح کامل در پیشگاه مردم هلند شکست خورد.

امروز رژیم اسلامی در یک بن بست سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. با مردمی روبروست که مترصدند تا کلیت این رژیم را با تمام باورهایش، با تمام سیاستها و ابزارهایش، با تمام زندانها، با تمام شکنجه‌گاهها، با دستگاه مذهب و دولتتش سرنگون کنند. این جوهر تلاش جنبشهای اجتماعی در ایران و آن واقعیتی است که تحولات فردای جامعه ایران را شکل خواهد داد. از طرف دیگر و رودرو با این حقیقت، دولت اسلامی میکوشد تا آنجا که ممکن است از فشار افکار عمومی بر رژیم اسلامی در صحنه بین‌المللی بکاهد و برای خود متحدینی دست و پا کند. از اینروست که کارگزارانش را روانه مجامع بین‌المللی کرده است. در واقع بدنبال خرید وقت است. اما این تلاشها بیهوده است! زمان زیادی از عمر جمهوری اسلامی باقی نمانده است. اصولاً هیچ رژیمی قادر نخواهد بود در مقابل مردمی که عزم کرده‌اند تا سرنگونش کنند، دوام زیادی داشته باشد. سرنوشته حکومتهای فاشیستی در اروپا شاهد این ادعای ماست.

واقعیت این است که عملکرد و ماهیت رژیم جنایتکار اسلامی تبدیل به بخشی از دانش عمومی بشریت کنونی شده است. همه میدانند که رژیم اسلامی چه صفحات سیاهی در تاریخ معاصر بشریت افزوده است. به این رژیم و رژیم مشابهش در افغانستان باید بمشابه طاعون سیاسی آخر قرن بیستم نگریست. تمام بشریت انساندوست باید تلاش کند تا جامعه بشری را از وجود این طاعون سیاسی نجات دهد. بجای دعوت، رهبران و بنیانگذاران این رژیم باید در دادگاهی

بین‌المللی به جرم جنایت بر علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند. بجای دعوت، مانند پینوشه باید بر مبنای اعلام جرم مردم در ایران دستگیر شوند.

مردم اسان دوست هلند، کارگران، سوسیالیستها:

حزب کمونیست کارگری ایران بارها اعلام کرده است که رژیم اسلامی، دولت مشروع مردم ایران نیست. نمایندگان این رژیم نباید بمثابه نماینده زنان، جوانان، کارگران و مردم ایران در هیچ مجمع بین‌المللی پذیرفته شوند. این جانیان نباید سفارتخانه و مرکزی در هیچ کشوری داشته باشند. ما از شما می‌خواهیم که همگام با ما خواهان برچیدن بساط سفارتخانه‌های این رژیم، یعنی مراکز سازمان دادن ترور در اروپا، بشوید. ما خواهان ممنوعیت حضور کارگزاران رژیم در هلند و اروپا هستیم.

ما نیرویی هستیم که برای آزادیهای سیاسی و اجتماعی مبارزه میکنیم. ما می‌خواهیم آزادی بی قید و شرط سیاسی، بیان و عقیده، اعتصاب و تشکل جزیی از قانون اساسی جامعه باشد. ما خواهان برابری کامل زن و مرد هستیم. ما مدافع سرسخت حقوق کودکان و مصون نگه داشتن آنها از مذهب و قوانین مذهبی هستیم. ما نمی‌خواهیم دختران نه ساله را طبق قوانین اسلام و قوانین رژیم اسلامی شوهر بدهند و به آنها تجاوز اسلامی بکنند. ما می‌خواهیم به این جنایات پایان دهیم. ما برای جامعه ای انسانی و برابری انسانها مبارزه میکنیم. ما خواهان جامعه‌ای هستیم که مذهب کوچکترین نقشی در شئونات اجتماعی نداشته باشد. ما خواهان دولتی سکولاریم. ما معتقدیم قدم اول آزادی مردم ایران سرنگونی این رژیم است.

ما دست تمامی شما را در این مبارزه اجتماعی و عمیقا انسانی می‌فشاریم. آرزو که این رژیم بزیر کشیده شود و شادی و شعف در چشمان مردم حلقه زند، مردم جهان شادمان از سرنگونی این رژیم بر خود خواهند بالید.

محمد رضا پویا

از طرف تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران – هلند

۲۲ اکتبر ۹۸

لغو جلسه فائزه رفسنجانی بی آبرویی باز هم بیشتر جمهوری اسلامی

خبر لغو جلسه فائزه هاشمی رفسنجانی در هلند به همت و ابتکار حزب کمونیست کارگری ایران ل‌بخند های شادی به لبان میلیون ها مردم به جان رسیده ایران و دشمنان جمهوری اسلامی آورد. این یک واقعه سیاسی مهم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای جنبش برابری طلب زنان بود.

هدف از این جلسه روشن بود: قرار بود برای جمهوری اسلامی در انظار بین المللی آبرو خریده شود؛ نقشه کثیف دولت هلند برای "امن" خواندن ایران تحت جمهوری اسلامی، که سال پیش با مبارزه بی امان پناهجویان، حزب کمونیست کارگری و نیروهای مترقی و مفتضحانه به شکست کشیده شد، به نتیجه برسد؛ اهداف و خواسته‌های جنبش زنان علیه آپارتاید جنسی در ایران لوث شود؛ و تمام بلایایی که این رژیم جنایتکار سر زنان آورده است تحت نام دیپلماتیک "نسبیت فرهنگی" به فراموشی سپرده شود.

اعضاء و دستداران حزب کمونیست کارگری این نقشه کثیف را نقش بر آب کردند، و این جلسه را به عکس خود بدل نمودند. بجای عوامفریبی های فائزه رفسنجانی، این مهره کارکشته جمهوری اسلامی، تربیون در اختیار مینا احدی، یکی از رهبران جنبش برابری طلبانه زنان سپرده شد. بجای سخنان ارتجاعی و عقب مانده سفیر جمهوری اسلامی، افشاگرپهای مینا احدی از اعمال و ماهیت این رژیم در سالن سخنرانی ظنین انداخت و با استقبال گرم و کف زندهای حضار روبرو شد.

جلسه ای که قرار بود قدمی در جهت تنگ کردن عرصه بر مبارزات ضد جمهوری اسلامی در خارج باشد، و فضا را برای نوکران این رژیم در خارج مناسب سازد، به بی آبرویی باز هم بیشتر این رژیم سیاه انجامید.

آذر ماجدی سردبیر مدوسا

۲۱ اکتبر ۱۹۹۸

اما، این هنوز کم است!

قرار بود روز ۲۰ اکتبر شخصی بنام فائزه رفسنجانی، یکی از اعضای بالای دار و دسته جنایتکاران اسلامی حاکم بر ایران، در مقام رسمی مسئول المپیک زنان ایران و جایگاه معنوی نماینده زن ایرانی، در دانشگاه لیدن هلند سخنرانی کند. به‌دنبال فعالیت‌های وسیع حزب کمونیست‌کارگری و کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، مردم و رسانه‌ها و نهادهای مختلف هلندی هر چه بیشتر و بیشتر به وضعیت زنان ایران در جهنم جمهوری‌اسلامی پی بردند. از طریق گفته‌ها و نوشته‌های فعالین حزب مطلع شدند که آن زنانی که ۲۰ سال است به جمهوری‌اسلامی نه می‌گویند و او را به عجز و جنون کشانده‌اند، زنان شجاعی که در خانه نمانده‌اند و به کفن سیاه تمکین نکرده‌اند، آنانی که در مقابل روسری، خودسری کرده‌اند و توسری را به این بی سروپاهای اسلامی بازگردانده‌اند، نمایندگان حقیقی و شایسته خود را دارند.

جمعیت هلندی و ایرانی حاضر در محل سخنرانی، تربیون را از

شخص مذکور گرفت و بعد از اینکه وی با فضاحت ناچار به ترک سالن شد، آن را به یکی از نمایندگان شایسته آزادیخواهی و برابری‌طلبی زن ایرانی، میناحدی، داد.

مستولین دانشگاه لیدن هلند به میان مردم آمدند و از دعوت به‌سخنرانی یکی از شرکای جنایت ۲۰ ساله جمهوری‌اسلامی علیه زنان، معذرت‌خواهی کردند. اخبار این واقعه که از طریق فرستنده‌های رادیویی خارج از کشور، در ایران پخش شد، دهن به دهن نقل خواهد شد و مشوقی برای زنان ایران در خودسری و گستاخی و مبارزه روزمره‌شان علیه نظام فائزه رفسنجانی و دیگر اراذل حاکم بر ایران خواهد بود.

اما، این هنوز کم است!

مردم ایران به ترک تربیون و فرار از سالن توسط نمایندگان رژیم اسلامی رضایت نخواهند داد. دور نیست روزی که تمام آنهایی که در این سالها خون مردم ایران را در شیشه کردند و سعی کردند زن ایرانی را زیر پای اسلام و فاطمه‌زهرایشان له کنند، آنهایی که مستقیم یا غیرمستقیم در روی کارآمدن جمهوری‌اسلامی و تداوم حیاتش نقش ایفا کردند، در مقابل دادگاه‌هایی قرار بگیرند که به جرم‌ها و جنایت‌هایشان رسیدگی خواهد کرد. در آن روز تربیون و میکروفون و وقت نامحدود در اختیار خواهند داشت تا با برملا کردن آنچه در جمهوری‌اسلامی بر زنان و جامعه گذشته است، تمام مدافعین کنونی‌شان را از شرم به سوراخ هایشان بفرستند و بشریت آزاد و ترفیخواه را از اینکه این چنین نظامی ۲۰ سال بر کره خاک وجود داشته است، در حیرت فرو ببرند.

منفعت وابستگان رژیم در این است که از همین امروز خود را از تبهکاران جدا کنند و با بیان حقایق، سنگینی جرائم خود را کاهش دهند.

نادر بکتاش

۲۰ اکتبر ۱۹۹۸

جلسه ابراهیم یزدی در استکهلم توسط مخالفین جمهوری اسلامی به هم زده شد

روز ۱۳ اکتبر ابراهیم یزدی بدعوت "کمیته ایران و سوئد در دفاع از حقوق بشر در ایران" در میز گرد "حقوق بشر در ایران" شرکت داشت. قبل از شروع جلسه تعدادی از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران پیکتی را در مقابل ساختمان آ. ب. اف. استکهلم در افشای یزدی بعنوان مجرم و شریک در جنایات رژیم اسلامی سازمان داده بودند. روزهای قبل از این جلسه، واحد سوئد حزب و کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران طی اطلاعیه هائی به زبانهای انگلیسی و فارسی نقش یزدی و نهضت آزادی و جنایاتش را توضیح داده بودند. خلیل کیوان مسئول تشکیلات حزب در سوئد نیز طی نامه ای به موسسه آب.اف.، بخاطر اسپانسوری از این میز گرد، اعتراض کرده بود. همچنین اطلاعیه مشترکی توسط سایر جریانات سیاسی علیه یزدی منتشر شده بود.

یزدی در دفاع از قانون اساسی ارتجاعی رژیم و انطباق آن با اسلام و حقوق بشر سخن راند و به وعده های خاتمی برای تحقق آزادی مورد نظرش در ایران اشاره کرد. حاضرین در جلسه در مورد جنایات رژیم اسلامی در دوره صدارت یزدی و نقش یزدی در سرکار آوردن این رژیم جنایتکار و قانون اساسی تماما ارتجاعی این رژیم صحبت کردند. شرکت کنندگان از بمباران کردستان، کشتارهای ترکمن صحرا، حمله به چپی ها توسط یزدی و گروه "ماشاله قصاب"، ضدیت اسلام با حقوق بشر و نزدیکی و همکاری یزدی با خمینی و غیره سوال کردند. اعتراض شرکت کنندگان با تشویق و دست زدن مکرر اکثریت حاضرین در جلسه مواجه میشد. در فضای اعتراض به رژیم اسلامی و ابراز خشم و انزجار از یزدی، جلسه متشنج شد و بهم خورد. در پایان اکثریت شرکت کنندگان با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" جلسه را ترک کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران صریحا اعلام میکند:

— حضور عناصر و مهره های رژیم را در خارج کشور تحمل نخواهد کرد. ممانعت از برگزاری جلسات نمایندگان رژیم و عناصر مرتجعی که نقش مهمی در سر کار آمدن این رژیم داشتند یک هدف اعلام شده حزب کمونیست کارگری ایران در خارج کشور است.

— حزب کمونیست کارگری تلاش مشترک نهاده‌ها و گروههائی را، اعم از ایرانی یا غیر ایرانی، که چنین جلساتی را به قصد مشروعیت دادن به رژیم جمهوری اسلامی و لائسه کردن مهره های مرتجع و امتحان پس داده سازمان می‌دهند، وسیعا افشا خواهد کرد.

— افرادی مانند یزدی که در سر کار آمدن رژیم جنایتکار اسلامی نقش مهمی داشته اند از نظر مردم ایران مجرم شمرده میشوند و همراه با سران رژیم اسلامی باید در یک دادگاه محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران کلیه مردم آزادیخواه را به تقویت مبارزه علیه رژیم اسلامی و تلاش برای جمع کردن بساط این رژیم در خارج کشور فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم اسلامی ایران!

زنده باد حکومت کارگری!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ اکتبر ۹۸

ابراهیم یزدی یک مجرم است

همکاران گروه معروف ماشالله قصاب در سرکوب چپی ها، اپوزیسیون نیستند

روز سه شنبه ۱۳ اکتبر ابراهیم یزدی دبیر نهضت آزادی، بدعوت "کمیته ایران و سوئد برای دفاع از حقوق بشر در ایران"، با عنوان سیاستمدار اپوزیسیون! در میزگرد "حقوق بشر در ایران" در آ. ب. اف. استکهلم شرکت میکند.

ابراهیم یزدی کیست؟ سیاستمدار کدام اپوزیسیون است؟ "کمیته ایران و سوئد" چه نوع حقوق بشری را در ایران جستجو میکند که قرار است از زبان آقای یزدی جاری شود؟ یزدی مامور مختار خمینی برای دریافت و هزینه "جوهات" قبل از انقلاب بوده است. او و دوستانش در نهضت آزادی از عناصر داخلی پیاده کردن طرح گوادلوپ در ایران بودند. سناریوی "جمهوری اسلامی" را اینها از غرب تحویل گرفتند و به گرده مردم سوار کردند. دولت موقت را اینها تشکیل دادند، وکیل و وزیر و طراح سپاه پاسداران و دستگاه های سرکوب بودند. اینها بودند که بدستور خمینی و همکاری چماقداران و چاقو کشان "ماشالله قصاب" به چپی ها حمله میکردند و امروز به آن افتخار هم میکنند. در دوره صدارت اینها در کردستان و ترکمن صحرا حمام خون پیاشد. یزدی یک مجرم و شریک سرکار آوردن رژیم اسلامی و جنایاتش است. یزدی یکی از مهره های رژیم اسلامی است و باید به جرم شرکت در جنایات این رژیم علیه مردم ایران محاکمه شود.

آقای یزدی و دوستانش هیچوقت اپوزیسیون جمهوری اسلامی نبودند. این رژیم بود که اینها را نخواست. دیروز پیرو خمینی بودند، امروز طرفدار خاتمی اند. همیشه از قانون اساسی کثیف و ضد انسانی رژیم صد هزار اعدام حمایت کردند. دیروز برای عقب راندن انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران پرچم خمینی را برافراشتند، امروز می‌خواهند وعده اعتدال و کرامات خاتمی را به مردم بقبولانند. نقش سیاسی شان در تاریخ ایران همین بوده است؛ مقابله با کمونیسم و آزادیخواهی و بدنیا آوردن ارتجاع و عقب ماندگی. "کمیته ایران و سوئد" هم که نقش تسهیل کننده سیاست خارجی دولت سوئد با ایران را بازی میکند، همین را می‌خواهد؛ جمهوری اسلامی خاتمی. تغییرات مورد نظر اتحادیه اروپا در رژیم ایران برطبق سیاست "دیالوگ انتقادی" این را دیکته میکنند. این دلیل دعوت از یزدی مجرم و لائسه کردن او با عنوان "سیاستمدار اپوزیسیون" توسط "کمیته ایران و سوئد" است. اینها دارند اشتراکشان را برعلیه منافع کارگران و مردم محروم بیان میکنند.

در داخل، خاصیت یزدی ها و سروش ها در ایندوره اینست که حساب اسلام و رژیمش را از هم جدا کنند. در خارج، می‌خواهند مدافعین بین المللی شان را بسیج کنند. اما رژیم اسلامی رفتنی است. با تلاشی اسلام حکومتی، اسلام اپوزیسیون نیز به حاشیه می‌رود. مردمی که رژیم اسلامی را بزیر میکشند، علیرغم میل دول غربی، به نوع مکلائی آن رضایت نخواهند داد. مهمتر اینکه در صحنه سیاست امروز ایران، یک حزب کمونیست کارگری وجود دارد که مبارزه با اسلام سیاسی، افشای هر نوع مماشات با رژیم اسلامی و جمع کردن بساط این رژیم در خارج کشور را یک هدف خود قرار داده است. کارگران و کمونیستها اجازه نخواهند داد که سناریوی سال ۵۷ بار دیگر تکرار شود.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد حکومت کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - سوئد

۹ اکتبر ۹۸

نامه سرگشاده به:

مسئولین سازمان آموزشی کارگران (آ.ب.اف)، استکهلم، سوئد

ابراهیم یزدی و حقوق بشر؟ کسی گول نمیخورد!

بدعوت کمیته ایران و سوئد برای دفاع از حقوق بشر در ایران، ابراهیم یزدی در میز گرد بحث حول حقوق بشر شرکت میکند. محل جلسه در یکی از ساختمانهای آب.اف و در روز ۱۳ اکتبر است.

ما بدینوسیله اعتراض شدیدمان را علیه حمایتی که سازمان شما از یزدی کرده است، اعلام میکنیم. لیست جنایاتی که یزدی با تحکیم حکومت جمهوری اسلامی و موج سرکوب و ترور علیه میلیونها نفر در ایران مرتکب شده است طولانی تر از آن است که در این نامه بگنجد. کافی است صرفا به این اشاره کنیم که ابراهیم یزدی یکی از کسانی بود که در به قدرت رساندن و تحکیم حکومت جمهوری اسلامی ایران نقش تعیین کننده ای داشت. رژیمی که با همه عوامل و دستجات خود چیزی جز کشتار، سیاستها و قوانین ارتجاعی ضد زن و سرکوب ببار نیاورده است. یزدی، کسی که خود را اکنون مدافع دموکراسی معرفی میکند و دم از آزادی های دموکراتیک میزند، همان کسی است که مسئولیت تشکیل سپاه پاسداران را داشت و از همان روز اول موجی از ترور و خفقان را بر مردم در ایران تحمیل کرد. آیا تاکنون چیزی بنام آپارتاید جنسی بگوشتان خورده؟ آیا درباره حجاب چیزی شنیده اید؟ آیا میدانید که زنان به جرم زنا شلاق میخورند، سنگسار میشوند و در ملاء عام اعدام میشوند؟ آیا تا حالا شنیده اید که دختر ۹ ساله را بزور وادار به ازدواج بکنند؟ آیا میدانید که زنان دقیقا به این خاطر که زن هستند و از نظر اسلام جنس ضعیف و احمق بحساب میآیند، مورد وحشی ترین جنایات قرار میگیرند؟

حتما همه اینها را شنیده اید و میدانید. این فاکتها حتما حداقل در یکی از کلاسهای آموزشی سازمان شما مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

فرق ماجرا در این است که اینها برای میلیونها نفر که باید هر روزه با آنها دست و پنجه نرم کنند، فاکت های آموزشی و تزه‌های دانشگاهی برای تجزیه و تحلیل نیستند. دعوت از کسی مثل ابراهیم یزدی، و اسپانسور کردن وی، کسی که امتحان خود را به مردم در ایران پس داده است، همانقدر مورد اعتراض است که بلایی که یزدی و حکومت جمهوری اسلامی بر سر مردم آوردند. تصور بکنید که سازمان شما از یکی از همکاران و مسئولین بالای هیتلر دعوت میکرد که درباره حقوق بشر در استکهلم سخنرانی بکند. آیا قابل دفاع و تحمل بود؟ نه. کسی که شما اسپانسور کرده اید همانقدر در بر روی کار آوردن و تحکیم حاکمیت جمهوری اسلامی نقش داشته است که افسران نازیست در دوره حکومت هیتلر در آلمان داشتند. یزدی در به حکومت آوردن رژیمی دست داشته است که دو دهه حقوق پایه ای و حقوق بشر مردم در ایران را پایمال کرده است.

آب.اف یعنی سازمان آموزشی کارگران، سابقه حمایت از جنبش کارگری را دارا است. بهتر است که این سابقه حفظ شود. ما از شما میخواهیم که جلسه فوق را تعطیل کنید زیرا نه تنها هیچ قرابتی با جنبش کارگری و حقوق بشر ندارد بلکه در تضاد کامل با آن میباشد. جانبداری از حقوق بشر یک مسئله تئوریک نیست. باید در عمل نشان داد که مدافع حقوق بشر هستید. تعطیل کردن جلسه و جلوگیری از شرکت یزدی، خود به تنهایی قدم بینهایت موثرتری در جهت دفاع از حقوق بشر است (موضوع جلسه) تا پز دادن اینکه ما دموکرات هستیم و به همه اجازه صحبت میدهیم. چیزی که در سوئد بسیار رسم است. وقت آن رسیده که روشن کنید که کدام طرف ایستاده اید. طرف حقوق بشر یا ارتجاع و سرکوب.

مریم کوشا

هماهنگ کننده سراسری کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران
اکتبر ۹۸

اطلاعیه

– بی بی سی بخش فارسی به کجا پناه میبرد! تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران – واحد بریتانیا ۲۸ سپتامبر ۹۸

مصاحبه ها

– منصور حکمت با رادیو انترناسیونال استکهلم درباره تنش میان جمهوری اسلامی و طالبان

– اصغر کریمی با رادیو فارسی فرانسه درباره بهم خوردن جلسه ابراهیم یزدی در سوئد

– اصغر کریمی، حسین مرادیگی (حمه سور) و بهرام رحمانی ۸ اکتبر در نشستی با صفا حائری (خبرگزاری ایران پرس) راجع به سابقه و فعالیت های حزب کمونیست کارگری در عرصه های مختلف بحث و گفتگو شکردند.

– آذر ماجدی با رادیو پژواک سوئد درباره مجله مدوسا

– فاتح شیخ الاسلامی با رادیو همبستگی مالمو حول تم ”ایران یک جامعه اسلامی نیست“

– فاتح شیخ الاسلامی با رادیو بی بی سی فارسی درباره انتخابات مجلس خبرگان رژیم

– مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران با رادیو بی بی سی فارسی، رادیو صدای آمریکا، رادیو فارسی فرانسه حول آکسیون علیه حضور فاتزه رفسنجانی در هلند، در همین زمینه مینا احدی همچنین دو بار با رادیو صدای ایران در لس آنجلس و نیز با رادیو ایران زمین در دالاس مصاحبه کرده است.

– مصاحبه علی جوادی با رادیو صدای جدید در آمریکا حول آکسیون علیه حضور فاتزه رفسنجانی در هلند

– تلویزیون هسن آلمان (هسبش روند فونک) برنامه ای از مینا احدی تهیه کرده است که روز ۲۹ اکتبر پخش میشود.

– سیاوش دانشور کادر حزب کمونیست کارگری ایران در یک مناظره رادیویی در رادیو ”رنگارنگ“ در استکهلم در باره ”آیا به حق آزادی بیان باور دارید و نظرتان راجع به بهم خوردن جلسه ابراهیم یزدی چیست؟“ در این میزگرد علاوه بر سیاوش دانشور، اتابک از حزب دموکراتیک مردم ایران، ناصر احمدی ”روشنفکر اسلامی“ از جنبش مسلمانان مبارز، و حسن بهگر بعنوان نویسنده شرکت داشتند.

– سیاوش دانشور با رادیو همبستگی مالمو در مورد بهم خوردن جلسه یزدی

– هوشیار سروش کادر حزب کمونیست کارگری با رادیو انترناسیونال استکهلم درباره بهم خوردن جلسه یزدی

روز ۱۶ اکتبر پروین کابلی هماهنگ کننده کمپین در سوئد در یک مصاحبه رادیویی با PI رادیو سراسری سوئد در برنامه رادیو Fria شرکت جست و در مورد علل جدایی گسترده در میان خانواده ها ایرانی در کشور سوئد و رابطه ان با قوانین حمایتی از زنان جواب داد. بعد از پخش این برنامه دهها تلفن از نقاط مختلف سوئد به تلفن کمپین شد وعده ای خواهان تماس کمک وهم فکری با کمپین شدند.

برگزار شد

سخنرانی بهمن شفیق عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در خانه حزب هامبورگ با عنوان ”سیمای اجتماعی یک حزب کمونیستی“

بر گزار میشود

– تلویزیون هسن آلمان (هسبش روند فونک) برای یک برنامه به نام هوریزانت با مینا احدی مصاحبه کرده و درباره زندگی و مبارزات و فعالیتهایش بدنبال روی کار آمدن جمهوری اسلامی و مساله زنان و حجاب و غیره از او فیلمبرداری کرده است که فیلم تهیه شده قرار است روز ۲۹ اکتبر پخش شود.

– کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران یک تور سخنرانی در کشورهای اروپائی حول ”تحولات سیاسی اجتماعی دو دهه اخیر در کردستان“ سازمان میدهد. در آغاز این رشته سخنرانی ها دو جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ، اولی روز شنبه ۳۱ اکتبر در گوتنبرگ سوئد با شرکت فاتح شیخ الاسلامی و ایرج فرزاد و دومی روز یکشنبه اول نوامبر در استکهلم با شرکت حسین مرادیگی و رحمان حسین زاده برگزار میشود.

– بمناسبت گرامیداشت انقلاب اکتبر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران واحد هلند مراسمی در شهر آمستردام برگزار می کند. مراسم شامل سخنرانی جعفر رسا، کادر حزب کمونیست کارگری ایران، با عنوان مفهوم آزادی و سعادت بشر در پایان قرن بیستم، نمایش فیلم کوتاهی از انقلاب اکتبر، پیام فعالین جناح چپ فدراسیون سراسری سندیکاهای کارگری در هلند(همستگی)، برگزاری نمایشگاه عکس (”چهار راه فصول“، عکسهایی از کار و زندگی کارگران در ایران) و موزیک و رقص خواهد بود. زمان: شنبه ۲۸ نوامبر از ساعت ۶ بعد از ظهر تا ۱۲ شب مکان:

Amsterdam
Eerste Wetering Plant soen 2c ,
از ایستگاه مرکزی راه آهن با تراموای ۲۴،۱۶ و ۲۵ ایستگاه Weteringcircuit

اعلام موجودیت

مرکز مطالعات کردستان

ناوه‌ندی لیکولینه‌وه‌ی کوردستان

Kurdistan Research Centre - KRC

"مرکز مطالعات کردستان"، KRC - Kurdistan Research Centre ، یک نهاد بین المللی برای بررسی مساله کرد و سایر مسائل سیاسی و اجتماعی کردستان از دیدگاهی آئترناتیو است که بدوا در چند کشور اروپایی آغاز به کار می کند.

کردستان که در چهارچوب مرزهای دولتی چند کشور خاورمیانه قرار دارد، بخشی از جامعه جهانی معاصر است و در مسائل و مشکلات آن سهیم است. نابرابری اقتصادی و اجتماعی، فقر گسترده اکثریت اهالی، مساله زن و مشکلات کودکان، ازجمله مسائل اجتماعی ای هستند که در کردستان هم، مانند سایر جوامع خاورمیانه و جهان، موجودند و از زاویه همین خصلت عام و جهانی بررسی می شوند. در عین حال مساله ملی که حاصل دهها سال ستم ملی و جنگ و کشتار و سرکوب دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی است، یک معضل مهم سیاسی است که در قرن حاضر و بویژه دهه‌های اخیر، زندگی مردم کردستان را تلخ تر و مشقت بارتر کرده است. پیامدهای مساله ملی، از خسارات انسانی تا بیحقوقی سیاسی و مدنی و محرومیت گسترده در عرصه های اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و فرهنگی، بطور روزمره زندگی این مردم را در چنگال خود می فشارد.

"مرکز مطالعات کردستان"، می کوشد وضعیت سیاسی ناشی از ستم ملی و پیامدهای آن در عرصه های اجتماعی و فرهنگی در کردستان، همچنین سایر مسائل جامعه کردستان، را با روح حقیقت جوئی و برخورد انتقادی و آئترناتیو بررسی کند.

"مرکز مطالعات کردستان" فعالیت خود را با اقدامات زیر آغاز می کند:

۱_ برگزاری پانل، سمینار و سخنرانی پیرامون مسائل بالا، با شرکت صاحبنظران دارای دیدگاههای مختلف.

۲_ انتشار مباحثات این جلسات بشکل جزوه و کتاب به زبانهای کردی و فارسی و، در صورت امکان، عربی و انگلیسی.

۳_ ارتباط با نهادهای علمی و مطالعاتی ای که در همین زمینه کار می کنند.

فاتح شیخ الاسلامی

اکتبر ۱۹۹۸

ایسکرا میرسد

در این ستون سئوالاتی که به ایسکرا میرسد از مسئولان حزب پرسیده میشود. سئولات خود را از طریق نامه، فاکس و میل با حزب در میان بگذارید.

ایسکرا: در اطلاعیه های حزبی گفته شده که حزب از برگزاری جلسات نمایندگان جمهوری اسلامی و کسائی که در بنیان گذاری این رژیم نقش مهمی داشته اند ممانعت خواهد کرد. چرا؟

اصغر کریمی: علت خیلی روشن است. جنگ مردم با رژیم که تمام نشده است و در خارج کشور هم این طبیعی ترین کاری است که از هر آدم آزاده ای انتظار میرود. دهها سال آزادیخواهان در سراسر اروپا نه تنها از حضور سران رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی ممانعت بعمل آوردند بلکه حتی دولتهای اروپائی را هم به تحریم رژیم آپارتاید مجبور کردند. ما هم بهمین دلیل مانع حضور نمایندگان رژیم در خارج میشویم. جرم سران رژیم اسلامی کمتر از سران آپارتاید آفریقای جنوبی، کمتر از جنایتکارانی مانند پینوشه و کمتر از سران نازیست آلمان نیست. همین دو روز پیش پینوشه را دولت انگلیس دستگیر کرد. سئالی اگر هست این است که چرا سران رژیم اسلامی به آسانی در اروپا رفت و آمد میکنند و هیچ دولتی آنها را تحویل دادگاه نمیدهد؟ مگر برای دستگیری و محاکمه و به زندان انداختن جانیان چند نفر و یا چند هزار نفر شاکی خصوصی لازم است؟

تلاش رفقای ما این بود که مانع برگزاری جلسه یزدی در سوئد بشوند. یزدی یکی از کثیف ترین مهره هائی بود که همراه با دو نفر دیگر "مثلث بیق" در روی کار آوردن این رژیم نقش مهمی بازی کرد، در دوره ای که هنوز رژیم تثبیت نشده بود همه زورش را برای تحکیم این رژیم زد، گروههای اوباشی نظیر ماشاءالله قصاب را بجان کمونیستها انداخت، همه هنرش را بخرج داد تا از رسانه های رژیم کمونیستها و مخالفین را مرعوب کند، عضو شورای به اصطلاح انقلاب و وزیر کابینه بازرگان بود و در جنایات رژیم در کردستان و ترکمن صحرا، در به گلوله بستن کارگران بیکار در اصفهان و در جنایات رژیم در سراسر ایران دست داشت. میتوان لیست بسیار طولانی تری از جرائم ایشان هم ردیف کرد. ایشان نه تنها از مردم و قربانیان این رژیم یک معذرتخواهی ساده هم نمیکند بلکه بدنبال بیست سال وحشیگری رژیمش به اروپا میاید تا از این رژیم و قانون اساسی فوق ارتجاعی اش دفاع کند و درباره انطباق آن با حقوق بشر صحبت کند. آیا انسانی ترین کار این نیست که آزادیخواهان حضور این مجرمین وقیحی را تحمل نکنند و مانع برگزاری سخنرانی و حضور اینها در خارج شوند. رفقای ما در هلند هم مانع سخنرانی فاتزه رفسنجانی شدند. ایشان نماینده رژیم آپارتاید است. این رژیم با پاشیدن اسید به صورت زنان و با تحمیل قوانین اسلامی و قصاص و سنگسار، از طریق حزب الله و باندهائی نظیر ماشاءالله قصاب هرگونه حقوقی و حتی حق حیات، چه رسد به حق ورزش، را به فنیع ترین شیوه ها از آنان گرفته اند. آنوقت فاتزه رفسنجانی در مقام مسئول المپیک زنان! ایران به هلند دعوت میشود تا از اسلام در جهان مدرن امروز صحبت کند. شرم واقعا! ما سفر ایشان را به یک افتضاح علیه دولت ایشان تبدیل کردیم و فعالیت سیاسی تبلیغی گسترده رفقای ما در هلند موجب شد تا مردم بیشتری حقایق مربوط به جامعه ایران را، که رسانه ها بطور معمول از بازگوئی آن امتناع میکنند، بشنوند. بسیج افکار عمومی در سطح دنیا علیه این جانیان، منزوی کردن آنها، افشای عناصر معلوم الحالی مثل یزدی که دولتها و مدیای غرب سعی میکنند دوباره علم شان کنند و جلب حمایت افکار آزادیخواه از خواستهای حق طلبانه مردم ایران بخشی از استراتژی ما برای سرنگونی این رژیم و رسیدن به آزادی و رفاه است. ما اعلام کرده ایم که مانع حضور اینها در خارج کشور میشویم. از طریق بسیج افکار عمومی آزادیخواه و بسیج نیروی شاکیان، از طریق افشاکری گسترده، از طریق پیکت کردن و سازمان دادن تظاهرات و از طریق گفتن حقایق و پشیمان کردن نهادهائی که از اینها دعوت میکنند سعی میکنیم جلوی تریبون دادن به اینها را بگیریم. سعی میکنیم جلوی پهن کردن بساط رژیم در خارج و سازمان دادن ترور توسط آنها را سد کنیم. این امتداد مبارزه مردم برای سرنگونی این طاعون آخر قرن و بخشی از همان مبارزه است.

جریاناتی از قماش حزب دمکراتیک مردم ایران، جمهوریخواهان ملی ایران و اکثریت از فعالین حزب کمونیست کارگری بسیار خاطرشان رنجیده است! سالهاست که رنجیده است. از سرنگونی این رژیم هم خاطرشان خواهد رنجید. اینها بیست سال است بطرق مختلف از رژیم حمایت میکنند، همیشه جناحی در رژیم هست که سنگش را به سینه بزنند و به کارگران، به زنان، به کمونیستها و آزادیخواهان این مملکت بگویند تندروی نکنید، بگذارید رژیم و فلان جناح کارش را بکند، بگذارید امام و آقای یزدی و آقای ریشه‌ری حرفشان را بزنند. اینها موقع انقلاب و اعتصابات و تظاهرات مردم هم همین را خواهند گفت. بدترش را هم اگر دوباره فرصت پیدا کنند خواهند کرد. اینها هیچ ربطی به آزادی و رفاه مردم ندارند وگرنه از یک رژیم آدم کش و آزادی کش حمایت نمیکردند.

ما اعلام کرده ایم که بساط رژیم را در خارج کشور جمع خواهیم کرد. مکررا گفته ایم که سران این رژیم و عناصری مثل یزدی باید بجرم جنایات شان علیه مردم محاکمه شوند. طبیعی است که حضور اینها را تحمل نکنیم. اینها مجرمند. مردم در چشم اینها جنایتکارانی را میبینند که در قتل عزیزترین کسانشان، در زندانی کردن و شکنجه همکلاسی ها و همکاران و بچه محل هایشان و در همه مصیبت های الان و بیست سال گذشته دست داشته اند.

بگذارید کمی تناسب قوا به نفع مردم تغییر کند و ترس از چاقو کشی حزب الله و گلوله پاسدار بریزد آنوقت ببینید آقای یزدی و خلخالی و فاتزه رفسنجانی و امثالهم جرات خواهند کرد فقط یک دقیقه در انظار عمومی ظاهر شوند. ■

مصاحبه بی بی سی با فاتح شیخ الاسلامی درباره انتخابات مجلس خبرگان رژیم

رادیو فارسی بی بی سی ۱۹ اکتبر در برنامه ای راجع به موضع احزاب و سازمانهای سیاسی ایران در مورد انتخابات مجلس خبرگان، با فاتح شیخ الاسلامی از طرف حزب کمونیست کارگری ایران مصاحبه کرد. او در جواب این سوال که نظر حزب کمونیست کارگری ایران درباره انتخابات مجلس خبرگان چیست، گفت:

"یک همچنین نهاد الیگارشوی آخوندی نه ربطی به مردم دارد نه انتخابات کلمه مناسبی برای آن است. مردم ایران واضح است نه رژیم را میخواهند نه قانون اساسی اش را نه هیچ حکومت مذهبی و هیچ نهاد مذهبی مثل مجلس خبرگان را. گذاشتن اسم انتخابات بر چنین بساطی اهانت است به رای مردم و به هرچه انتخابات است. و در واقع تلاش است برای مشروعیت دادن به رژیم اسلامی که از نظر مردم بهیچوجه مشروعیت ندارد. مردم هیچ علاقه ای ندارند که اسم کدام آخوند مرتجعی از این قوطی ها در می آید، اینها میتوانند صندوقهایشان را ببرند حوزه های علمیه و از همان آخوندها بخواهند رای بدهند. شبیه این است که در انگلستان یا آمریکا بخواهند انتخاباتی برگزار کنند که در آن فقط سفیدپوستها یا کشیش ها کاندید بشوند، واضح است مردم در آن شرکت نمی کنند.

از نظر حزب کمونیست کارگری ایران مجلس خبرگان هم در کنار نیروهای سرکوب و بقیه دم و دستگاههای رژیم نهادهی است در خدمت تحکیم حکومت مذهبی و سلب هرگونه آزادی از مردم. همانطور که در بقیه انتخابات های رژیم ازجمله انتخابات رئیس جمهوری هم گفته ایم، واضح است که ما در چنین بساطهائی شرکت نمی کنیم و حتی اصطلاح تحریم را برایشان زیادی میدانیم، چون تحریم میتواند معنی اش این باشد که گویا خود رژیم و بقیه دم و دستگاهها و انتخابات هایش مورد قبول است درحالیکه ما برای سرنگونی کل جمهوری اسلامی مبارزه می کنیم."

تبریک دوباره به بی بی سی!

در روز ۱۹ اکتبر رادیو بی بی سی مصاحبه کوتاهی با فاتح شیخ الاسلامی، از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران پخش نمود. در معرفی حزب کمونیست کارگری ایران، گوینده "دقیق" و "بیطرف" ما اعلام کرد که: "حزب کمونیست کارگری ایران اخیرا پس از جدایی از گروه کومفله کردستان فعالیتهای مستقل خود را از جمله با برهم زدن جلسات طرفداران رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور آغاز کرده است."

رادیو بی بی سی یکبار دیگر "دقت" و "بیطرفی" خود را در خبر رسانی به اثبات رسانید! غرض ورزی با جنبش مترقی و سوسیالیستی آنچنان به خصلت این موسسه تبدیل شده است که نمیتواند حتی یک دقیقه و نیم از وقتش را بدون سم پاشی و دروغ پراکنی به نمایندگان این جنبش اختصاص دهد.

واقعا که خجالت دارد! اگر رادیو بی بی سی از سابقه فعالیت حزب کمونیست کارگری بی اطلاع بود، میشد این ترهات را به حساب آماتوریسزم ژورنالیستی شان گذاشت. حتی اگر فرض بگیریم که اینها چشم و گوششان را به روی جهان بیرون بسته اند، روزنامه و نشریه نمیخوانند و از اتفاقات بیرون بیخبرند، این یک انتظار ساده را میتوان داشت که لااقل به آرشیهوهای خودشان رجوع کنند! در آرشیهوهای این بنگاه نوارهایی از گفتگو با رهبران و کادریهای حزب کمونیست کارگری که طی هشت سال اخیر جمع آوری شده، وجود دارد. گفتگوهایی که هر گاه شرایط بیرونی مجبورشان کرده بخشهایی از آنرا منعکس کرده اند.

اگر سایر گزارشات این بنگاه هم بهمین میزان بیطرف است و حقیقت وقایع را منعکس میکند، الحق و والانصاف که باید به دست اندر کاران و کارکنان آن تبریک گفت!

واقعه اخیر یکبار دیگر صحت گفته ما را که بی بی سی یک حزب دست راستی است که غرض ورزی آشکاری با جنبش سوسیالیستی، رادیکال و مترقی دارد بااثبات میرساند.

آذر ماجدی

بیست و یک اکتبر ۱۹۹۸

کمپین دفاع از تسلیمه نسرین

برای دفاع از تسلیمه نسرین که پس از بازگشت به بنگلادش برای ملاقات مادر بیمارش، با خطر جانی از سوی ارتجاع اسلامی و مقامات قضائی بنگلادش مواجه شده است، تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران فراخوان به یک کمپین گسترده داده است. این کمپین با همکاری حزب کمونیست کارگری عراق، کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران و عراق برگزار میشود. علاوه بر اقدامات دیگر، بنا بر این فراخوان، روز جمعه ۳۰ اکتبر واحدهای حزب در کشورهای اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا در مقابل سفارت های بنگلادش آکسیون اعتراضی بر پا خواهند داشت. در اینجا متن اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و نامه ای که تسلیمه نسرین از مخفیگاه خود فرستاده درج میشود.

جان تسلیمه نسرین در خطر است!

دادگاه اسلامی بنگلادش "باتهام توهین به اسلام" و در واقع بخاطر بازگو کردن سرنوشت تلخ و دردبار زنان تحت حاکمیت اسلام برای تسلیمه حکم جلب صادر کرده است. و گروه ها و دستجات مرتجع اسلامی هم در خیابانها شعار مرگ بر تسلیمه نسرین سر داده اند. تسلیمه نسرین چهار سال پیش در شرایطی مشابه، در حالیکه هم از طرف دادگاه و هم از جانب دستجات اوپاش اسلامی در تهدید مرگ قرار داشت، از بنگلادش به اروپا گریخت. ولی تسلیمه بخاطر دیدار با مادر در حال مرگش مجبور به بازگشت به بنگلادش شد و بسجدد ورود به کشور، اسلامیون دولتی و اوپاش خیابانی همان کارزار چهار سال پیش را براه انداختند. جان تسلیمه نسرین در خطر جدی قرار دارد.

گناه تسلیمه این است که گوشه ای از وضعیت دردناک و اسفبار زن تحت حاکمیت اسلام و قوانین اسلامی را تصویر کرده است. جرم تسلیمه این است که به تبعیض و ستمی که در جوامع اسلام زده و در خانواده های مسلمان متعصب بر زن روا میشود اعتراض کرده است. قوانین اسلام هم در مورد چنین مرتدینی صراحت کامل دارد: ریختن خون کسانی که جرئت میکنند قوانین اسلامی را به زیر سوال ببرند حلال است و صواب دارد.

آنچه در انتظار تسلیمه است نمونه ای است از آنچه هزاران زن در ایران و افغانستان و بنگلادش و الجزایر و حتی در قلب اروپا و در میان خانواده های متعصب مسلمان با آن مواجه اند. تسلیمه سبمل زنانی است که در مقابل ارتجاع اسلامی و بردگی خاموش زنان به اعتراض بلند میشوند.

این وظیفه هر انسان آزادیخواه و مترقی است که در این جدال کنار تسلیمه بایستد و به قوانین قرون وسطایی و عقب مانده که زندگی میلیون ها زن را هر روزه به تباهی میکشد، اعتراض کند. دفاع از جان و حرمت تسلیمه نسرین وظیفه هر انسان و هر سازمان آزادیخواه، مترقی و برابری طلب است.

ادامه از صفحه ۱

۱۰ سوال از فائزه...

مجبور میکنید؟ چرا دنیای کودکی آنها را نابود میکنید؟ شما حتی در کارتونها و فیلمهای کودکان خرگوش خانم و موش مونث را

حجاب سرش کرده اید؟ از نظر بشریت امروز بخاطر حتی یک مورد شکنجه کودک باید عاملینش را به دادگاه سپرد. این دهها سال است در بسیاری از کشورها بعنوان دفاع از حقوق کودک جافتاده است. شما چگونه این تعرض به حقوق و آسایش و امنیت میلیونها

کودک را توضیح میدهید؟

۵_ چرا زنان و مردان را در تمام ورزشگاهها، اتوبوس و رستوران و خیابان از هم جدا کرده اید؟ بودجه سنگینی که صرف هزاران اوپاش برای اعمال این جدایی میشود آیا نشان نمیدهد که مردم در

در ایران بوده است برپا کرده است؟
۹_ آیا درست است که شما همواره مدافع سرسخت قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده‌اید درحالیکه این قانون اساسی اقلیت های مذهبی (از جمله مسیحیان، یهودیان، آسوری‌ها) را به موقعیت گروههای اجتماعی ویژه تنزل می‌دهد، پیگرد هر لامذهب و بهایی را تجویز می‌کند، هر گونه نهاد کارگری و سوسیالیستی را منع می‌کند، و زنان را به شهروند درجه دوم بودن محکوم می‌کند؟
۱۰_ در تاریخ معاصر بشر، کسانی که جزو طراحان روی کارآمدن رژیم‌جایی بوده‌اند که پیگرد بی سابقه شهروندان کشورشان، اعدام‌های دسته جمعی، نسل کشی، آپارتاید جنسی و نژادی بیار آورده‌اند به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شده‌اند. آیا فکر نمی‌کنید شما بر اساس عملکرد گذشته و باورهای جاری تان جزو چنین کسانی هستید و بخاطر جرایمتان باید محاکمه شوید؟
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران – سوئد ۱۱ اکتبر

کلیه افراد و سازمانهای آزادیخواه و پیشرو را به پیوستن به کمپینی که در دفاع از تسلیمه نسرین سازمان داده شده است دعوت میکنیم. ما خواهان آنیم که:

۱- حکم جلب تسلیمه نسرین توسط دادگاه بنگلادش بلافاصله لغو گردد؛

۲- دولت بنگلادش حفظ امنیت تسلیمه نسرین و مادر او را تضمین کند؛

۳- دولت بنگلادش خروج امن تسلیمه و مادرش را از کشور تامین کند؛

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اکتبر ۱۹۹۸

متن نامه تسلیمه نسرین

دوستان گرامی

دیدار مجدد مادر در حال مرگم برای من بسیار دردناک بود. اگر چه دولت بنگلادش نمیخواست من در کشور باشم، من با مادرم به زادگاهم رفتم. بلافاصله پس از ورود من ، بازگشت من علنی شد و بنیادگران مذهبی شروع کردند بلافاصله تظاهراتهایی را سازمان بدهند. آنها خواهان اعدام من به شنیعترین وجه هستند. تقریبا هر روز هزاران نفر در خیابانها هستند، برای اینکه بر علیه من تظاهرات کنند.

یکی از مسائل طرح مجدد شکایت از انتشار کتاب من در چهارسال قبل است با عنوان نیر باختوکولومنس. من متهم به توهین به احساسات مذهبی مردم شده و هم اکنون دادگاه حکم جلب مرا صادر کرده است. و همینطور قرار است تمام اموالم ضبط شود. بخشش و رد حکم با دادن پول و وثیقه غیرممکن است. من الان مخفی شده ام. در صورت دستگیری مرا به زندان خواهند افکند و حتی اگر با پرداخت وثیقه آزادم کنند باز هم من در امنیت نخواهم بود. بنیادگران اعلام تظاهرات در ۴ اکتبر را داده اند، آنها میخواهند وزارت داخله را اشغال و قتل مرا درخواست کنند. در شهر سیلهدت هم اکنون یک اعتصاب عمومی در جریان است. اسلامیون در صدد هستند یک مارش خیلی طولانی و یک اعتصاب سراسری تدارک ببینند، برای اینکه کل کشور را فلج کنند. اگر دولت نتواند مرا دستگیر و اعدام کند، خود اسلامیون این کار را خواهند کرد، اینرا فوندامانتالیستها میگویند. در چنین شرایط مایوس کننده ای من بهمراه مادر مریضم احتیاج به کمک دارم. این برای بسیار مفید است اگر دولتهای دمکراتیک دنیا از دولت بنگلادش بخواهند امنیت مرا تضمین کند. حکم بازداشت مرا لغو کند و امکان خروج ازکشور را برای حفظ امنیتم، فراهم کنند. با تشکر از حمایت و همبستگی شما.

تسلیمه نسرین

آدرسی برای نامه اعتراضی:

شماره فاکس نخست وزیر بنگلادش

۰۰۸۸۰۴۸۱۴۴۴۴ یا ۰۰۸۸۰۴۸۱۴۴۴۳ ویا ۰۰۸۸۰۴۸۱۱۰۱۵

حکومت ادامه میدهید؟ استدلال شما بعنوان یک نماینده رژیم و مدافع وضعیت موجود چیست؟
۷_ گفته میشود شما بعنوان مدافع ورزش زنان در این جمع حرف میزنید. اما رژیم شما با زنانه مردانه کردن ورزش و با حاکم کردن قوانین اسلام بر جامعه، بر ورزش و بر زنان، عملا زنان را

از ۹۰ درصد ورزشها محروم کرده و شرکت آنها در مسابقات بین المللی را ممنوع کرده است. چگونه ممکن است ورزش را زنانه مردانه کرد! از نظر صدها میلیون مردم در سراسر جهان این امری وقیح، وحشیانه و قورن وسطانی است. آیا شرم آور نیست که یک نماینده رژیم بعد از بیست سال تحمیل محرومیت به زنان، امروز بعنوان مدافع ورزش زنان سخنرانی کند؟

۸_ شما اخیرا روزنامه ای بنام "زن" در چارچوب اسلام و قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی براه انداخته اید. نظرتان در مورد این قوانین و مشخصا قانون اساسی جمهوری اسلامی چیست که در آن زنان بدلیل جنسیت خود از حقوق بسیاری محروم شده اند. مثلا آنها نصف مردان ارث میبرند، حق طلاق ندارند، حق تکفل فرزندان خود را ندارند، نمیتوانند سرپرست خانواده باشند، بسیاری از مشاغل و ورزشها برای آنان ممنوع است و غیره. با

همین قانون بیست سال است یک جامعه ۶۰ میلیونی را به بند کشیده اید و یک آپارتاید جنسی را در جامعه حاکم کرده اید. در مورد قانون وحشیانه اسلامی قصاص چیست؟ بعنوان یک انسان چگونه از این قوانین تماما ضدبشری و ارتجاعی دفاع میکنید؟
۹_ آیا خود شما هم شخصا به صورت زنانی که رعایت حجاب اسلامی را نکرده اند اسید پاشیده اید؟ آیا خود شما هم در دار و دسته های حزب الله بجان مردم افتاده اید و یا صرفا از طریق مجلس اسلامی این دار و دسته ها را حمایت قانونی و مالی کرده اید؟

۱۰_ سران رژیم اسلامی به خاطر دو دهه جنایت علیه زنان، علیه مردم، علیه کودکان، علیه کارگران، علیه کمونیستها، بخاطر اعدام ۱۵۰ هزار نفر از بهترین فرزندان این مردم باید نظیر سران رژیم نازیست آلمان و امثال پینوشه در یک دادگاه محاکمه شوند. آیا شما به عنوان وکیل مدافع آنان در این دادگاه شرکت خواهید کرد؟

مینا احدی

سخنگوی کمپین بین المللی

دفاع از حقوق زنان در ایران –

۱۸ اکتبر ۹۸

پینوشه دستگیر شد، عرصه را بر پینوشه های ایران تنگ کنیم

۱- در سندی که روز ۱۸ اکتبر ۱۹۹۸ یک قاضی اسپانیولی، قاضی بالتازار گارزون، در اختیار مقامات انگلیسی قرار داد و به بازداشت آگوستو پینوشه، دیکتاتور شیلیایی و رهبر یک کودتای خونین در نزدیک به یک ربع قرن پیش در شیلی، انجامید، وی متهم به "شکنجه، تروریسم و آدمکشی" شده است. تمام انجمنها و افراد آزادیخواه و مدافع حقوق بشر در کشورهای مختلف، با رضایت خاطر از بازداشت و محاکمه احتمالی پینوشه استقبال کردند.

حتی احزاب دولتی در قدرت هم ملاحظاتی دیپلماتیک را قوت دادند و اظهار شادی کردند. یک نماینده پارلمان حزب کارگر بریتانیا اعلام کرد: "دستهای پینوشه خونین است و همه دیکتاتورها باید بدانند که دیر یا زود ناچار خواهند بود در مورد جنایت‌هایشان پاسخگو باشند." نخست‌وزیر فرانسه، لیونل ژوسپن، اعلام کرد: "برای من، به‌عنوان یک انسان، این یک خبر شاد و عادلانه است... خوب است که هیچیک از کسانی که، در رژیمهای دیکتاتوری، جنایت را پذیرفته یا گناه مرتکب شده‌اند، امیدی به مصونیت نداشته باشند."

۲- در همین ماه اکتبر، در سوئد، کسانی در اپوزیسیون ایران، از سوسیال‌دمکرات و چپ و راست و جمهوریخواه و دمکرات و میهن‌پرست، لاطاناتل سردادند که چرا حزب کمونیست کارگری و عدل از سازمانها و فعالین ضد رژیم با سوالات و افشاگریهایشان باعث شده‌اند که جلسه یزدی در سوئد که نقش فعالی در سازماندهی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران داشت تبدیل به محاکمه سیاسی او و قاتلین حاکم بر ایران شود. هذیان‌گویی اینان در حمایت از آدمکشان جمهوری اسلامی و نمایندگان و شرکایشان، حقیرترین و لجن‌ترین منافع و احساسات و افکار ضد آزادی را به نمایش گذاشت. این احزاب و رسانه‌های هم‌گرایش آنها، به‌جای هم‌صدا شدن با خواست قلبی مردم ایران و اعتراض به حضور همکاران و مسئولین سابق و کنونی این حکومت جنایتکار بعنوان رهبران و نمایندگان مردم کشور، علیه آزادیخواهان و معترضین به جنایت، پارازیت انداختند.

۳- حقوق بین‌الملل در سالهای اخیر اصلی را پذیرفته است که به‌موجب آن تمام دول متعهدند متهمین به جنایات وحیم را (کشتار جمعی، جنایت علیه بشریت، شکنجه) تحت تعقیب قرار دهند. در چهارچوب چنین اصلی است که یک قاضی اسپانیولی تقاضای استرداد یک جنایتکار شیلیایی را به مقامات انگلیسی می‌دهد و یک مقام رسمی دولت فرانسه ابایی از این ندارد که این عمل را "یک خبر شاد و عادلانه" توصیف کند.

ابعاد جنایات پینوشه، با آنچه رژیم جمهوری اسلامی در این ۲۰ سال بر سر مردم ایران آورده است، قابل مقایسه نیست. با این وجود از نمایندگان این رژیم و مجریان سابق و کنونی آن با احترام و تکریم در سازمان ملل و ایتالیا و کشورها و مجامع دیگر پذیرایی می‌شود. وزیر خارجه فرانسه به ایران می‌رود و نخست‌وزیر این کشور که از بازداشت پینوشه اظهار خوشحالی میکند، در آرزوی اینست که با مسرت و افتخار از نمایندگان و مقامات جمهوری اسلامی در کشورش پذیرایی کند. دولت بریتانیا بر اولین فرصت سوار می‌شود تا روابطش را مجدداً با ایران برقرار کند (روابط پشت‌پرده را علنی کند).

همه اینها با هم، از دول غرب تا بخشی از اپوزیسیون و رسانه‌های ایرانی که شیفته خاتمی است، دارند عدالتخواهی در جهان را و حرمت و شایستگی مردم ایران را لگدکوب می‌کنند. ۴- مبارزه برای عدم حضور نمایندگان و وابستگان جمهوری اسلامی در خارج کشور، چیزی جز مبارزه مردم ایران برای خاتمه دادن به حضور و وجود کل نظام اسلامی در کشور، نیست. این مبارزه عیار عدالتخواهی را در جهان بالا خواهد برد و به دنیا نشان خواهد داد که جامعه ایران، برخلاف اکثر احزاب و رسانه‌های بی‌پرنسیب، نه فقط به حکومت جلادان تمکین نخواهد کرد و آنها را بعنوان نماینده و دولت خود برسمیت نخواهد شناخت، بلکه مبارزه‌اش را تا نشاندن آنها بر کرسی متهمین به جنایت علیه بشریت، ادامه خواهد داد.

این حرکت، هم یک مبارزه برحق با ابعاد جهانی است و هم دفاع از حرمت مردم ایران. خواب را برای پینوشه‌های ایران کابوس و عرصه را بر آنها تنگ کنیم.

نادر بگتاش - ۲۲ اکتبر ۱۹۹۸

افغانستانی کنده شده است و صدها نفر از آنان در این راه جان باخته اند. صدها و هزاران تن دیگر در کارهای ساختمانی، در زیر آوار و هنگام انجام کارهای سخت و خطرناک جان خود را از دست داده اند. جان این انسانها، نیروی حیات آنها، مثل باقی بردگان مزد، تبدیل به ثروت و رفاه بورژوازی و جامعه اش میشود. در عوض نه فقط از همه حقی، از مدرسه و بهداشت و حق مسافرت و خلاصه حق آدمیزادی (یعنی شهروندی) محروم هستند، بلکه حتی وقتی در همین راه می‌میرند اسمشان هم برده نمی‌شود! ننگ!

مرگ هر سه این کارگران را به خانواده‌های آنها و به همکارانشان صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

مصطفی صابر
۱۹ اکتبر ۹۸

خلافی انجام دهد و عمل خلاف خود را به شهرهای همجوار دیگر می‌برد، چرا باید در این شهر مدرسه آموزش موسیقی باز شود؟ در شهر شیخ بزرگ انصاری با ضرب و ویلون و دیگر آلات موسیقی، شیخ مرتضی انصاری تحویل جامعه نخواهیم داد. مردم دزفول نباید میزبان موسیقی دان‌های سایر شهرهای اطراف باشند

جمهوری اسلامی ۷ مهر
هاشمی رفسنجانی: "آنان که به زرق و برق و برخی پدیده‌های غربی دل خوش کرده‌اند و تلاش دارند اینگونه القا کنند که عصر انقلاب و امام گذشته و میدان برای تاخت و تاز افکار غربی آماده است، هنوز مردم ما را نشناخته‌اند."

سیاوش دانشور
۲۳ اکتبر ۹۸

حکومت مذهبی (بویژه در کشورهای اسلام زده) نیاز دارد. از آن انقلابیگری ضد مذهبی دوران جوانی جز یک نق نق بی رمق در مورد اینکه اسلام و حکومت‌های اسلامی خودشان را با "قوانین بین المللی انطباق دهند"، چیزی باقی نمانده است.

"فرشته نجات" رشدی و دفاع از عزت و آزادی انسان از در دیگری وارد صحنه خواهد شد. انقلاب کارگری در ایران نه فقط مردم ایران را از شر حکومت اسلامی رها خواهد کرد، نه فقط در اولین هجوم‌هایش علیه حکومت اسلامی چیزهایی نظیر جایزه قتل رشدی را دود هوا خواهد کرد، بلکه الگویی برای رهایی از شر اسلام و حکومت مذهبی و فتوایش را به تمام جهان عرضه خواهد کرد. سلمان رشدی خوب است به صف مبارزه ناجیان واقعی خود پیوندند.

۱۷ اکتبر ۹۸

کرده است، در گشت جاده‌ها و غیره افغانی‌ها زیر ضرب و شتم و جنایت گله‌های حزب الله بودند. او با جان خود درسی از همبستگی انسانی بین کارگران به بقیه داد که گویا تر از هر بیانیه‌ای نفرت و بی‌زاری از فاشیسم ضد افغانی بورژوازی و دولت اسلامی ایران را به نمایش می‌گذارد. یاد او بی‌شک در خاطر تاریخ تلاشهای طبقه ما و انسانهای شریف باقی خواهد ماند.

اما آن دو کارگر دیگری که البته دلیل دیگری جان باختند چه؟ حتی نام آنها نیز در روزنامه نیامده بود. فقط گفته شده بود "دو کارگر افغانی!" اگر نه هر روز، لاقل هر هفته دارد "اتفاقاتی" از قبیل مرگ این دو کارگر در تهران رخ میدهد. اگر نه تمام، لاقل نیمی از چاههای تهران (که سیستم فاضلاب ندارد) توسط همین کارگران ارزان

ایران ۷ مهر
بیش از دو هزار نفر از کارکنان شرکت سهامی جنگل شفاورد خواستار رسیدگی به مشکلات مالی و حقوقی خود از طرف مسئولان استان کیلان شده‌اند. یک مسئول شرکت سهامی جنگل شفاورد گفته: "به دلیل فروش نرفتن تولیدات ناشی از رکود اقتصادی کشور، کارخانه توانایی پرداخت حقوق افراد خود را ندارد"

ایران ۶ مهر
فرمانده سپاه پاسداران شهرستان دزفول، ضمن مخالفت با ایجاد هنرستان موسیقی در این شهر گفت: "در حالی که حتی در زمان طاغوت، کسی جرات نمی‌کرد در دزفول عمل

دو کارگر چاه کن بدون چاه می‌بود. اما او نیز مانند دو نفر دیگر دچار گاز گرفتگی میشود و جان می‌سپارد. رفتار این کارگر نه فقط از جانب همکارانش که دیگر مردم تقدیر میشود تا آنجا که آتش نشانی حتی برای او مراسم یادبود و قدردانی می‌گذارد و موضوع در روزنامه‌ها منعکس میشود.

طبقه کارگر اگر در رژیم اسلامی امکان داشتن هیچگونه ارگان و نشریه و تشکل علنی‌ای ندارد تا حرف و موضع خود را نسبت به وقایع سیاسی بیان کند، در صحنه عمل اجتماعی، آنجا که زندگی واقعی جریان دارد، با عمل و جانفشانی خود پیامش را به گوش جامعه میرساند. من هیچ چیز در باره رضا سمیعی پنج نمی‌دانم، اما همانوقتی که او بداخل چاه میرفت، در اصفهان و جاهای دیگر، در اردوگاههایی که دولت درست

از این افراد... به اجرا درآورده‌اند اما نهایتاً به نظر نمی‌رسد که توانسته باشند موفقیت چشمگیری بدست آورند... با نگاهی به اطراف خود می‌توان حضور سنگین این طرح‌ها را حس کرد. روی اتومبیلها و از همه مهمتر اتوبوسها اغلب کلمات فارسی و عربی با حروف لاتین نقش بسته‌اند! در حقیقت احساس بیشتر ما این است که حروف لاتین زیباترند. ...

جمهوری اسلامی ۱۴ مهر
سازمان برنامه و بودجه تصریح کرد که اگر برای اصلاح کسری بودجه سال ۷۷ تصمیم سریعی در مجلس گرفته نشود، پرداخت حقوق کارمندان دولت با مشکل مواجه خواهد شد.

در ستایش انسانیت در سوگ مرگ سه کارگر

روز دوم مهر، در اوج تنش بین طالبان و جمهوری اسلامی و عربیده کشی‌های دولت خاتمی و سایر مقامات جمهوری اسلامی و کل ناسیونالیسم ایرانی علیه شهروندان افغانستانی، "اتفاقی" در بازار تهران افتاد که بعنوان نمونه انسانیت و نوع دوستی کارگری باید آن را بر سر در جامعه کوبید:

دو کارگر افغانستانی مشغول تعمیر چاه آب بودند که ناگهان طناب برید و این دو به فعر چاه سقوط کردند. مردم به آتش نشانی خبر میدهند و کارگران آتش نشانی فوراً سر می‌رسند و مجبور میشوند برای عبور از کوچه‌های تنگ بازار وساتل و ابزار خود را بدوش بکشند. یکی از آتش نشانها، بنام رضا سمیعی پنج، فوراً برای نجات

از نشریات داخل

شهرام صیعی
دنیای سخن شماره ۸۰
ظاهراً یکی از عمده‌ترین نموده‌های آنچه "تهاجم فرهنگی" علیه "فرهنگ ملی" نامیده می‌شود، پوشش جوانان و نوجوانانی است که تی شرت‌هایی با نوشته‌های لاتین و تصاویر هنرپیشه‌ها و سایر ستاره‌های غربی می‌پوشند. در همین راستا نهادهایی که عهده دار مبارزه با تهاجم فرهنگی هستند برای مبارزه با این شیوه پوشش، تلاشهای گسترده‌ای - از برخورد فیزیکی گرفته تا گفتگو و تا تهیه برنامه‌های تلویزیونی و حتی مصاحبه با بعضی

یک سوال از اعضای راه کارگر

آیا شما موضع رهبری سازمانتان را در مورد حضور سران رژیم اسلامی در خارج کشور میدانید؟

بعد از ماجرای مهاجرانی و افتضاحی که برسر ایشان آمد، بحث "آزادی بیان" در میان سازمانهای اپوزیسیون شدت گرفت. بیشتر اعضای مرکزیت سازمان شما مخالفت شان را با بهم خوردن جلسه سروش، قاتل هزاران دانشجوی کمونیست و مبارز اعلام کرده بودند. در مباحث بعد از ماجرای مهاجرانی، آقای "حسن حسام" نماینده کمیته مرکزی سازمان شما، در مصاحبه‌ای با رادیو "شراره‌ها" در استکهلم اعلام کرد که اگر لاجوردی هم به خارج بیاید و جلسه بگذارد ما مخالف به هم خوردن جلسه اش هستیم. این "معنی" آزادی بیان است. اخیراً، بعد از بهم خوردن جلسه ایراهیم یزدی در استکهلم، آقای سروش قازاریان از دیگر اعضای مرکزیت راه کارگر در مصاحبه‌ای با رادیو همبستگی در استکهلم از این موضع عقب نشست و از سیاست "تفکیک افراد و بررسی مورد به مورد" سخن به میان آورد. درست چند روز بعد و بدنبال

چه کسی سلمان رشدی را نجات...

افتاده است. سرنوشت سلمان رشدی فقط مصداق دشمنی اسلام (و مذهب بطور کلی) با آزادی و انسان نیست؛ بیانگر ابتذال و ارتجاع تاریخی بورژوازی هم هست. خود همین بورژوازی است که پشت اسلام رفته و چه در ایران و چه ممالک دیگر، به آن میدان داده است. حتی در این آخرین مضحکه مربوط به فتوای قتل رشدی یک فاکتور تعیین کننده پیشبرد سیاست غرب در حمایت از دولت خاتمی، یعنی جمهوری اسلامی بوده است. .. مشکل آقای رشدی همچنین آن دکترین‌های ارتجاعی نظیر "نسبیت فرهنگی" است که اسلام و هرگونه عقب ماندگی را با این توجیه که "فرهنگ مردم این کشورهاست" تقویت میکنند... در یک کلام راز قدرت ظاهری فتوای قتل سلمان رشدی در این است که بورژوازی برای حفظ خود به مذهب و

ادامه از صفحه ۱

اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانه‌ها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیت‌های سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

به حزب کمونیست کارگری شماره فاکس کمیته داخل حزب ایران کمک مالی کنید
۱- ۴۱۶- ۵۱۵- ۳۷۶۹

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

| | | | |
|--|---|---|--|
| K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden | Postfach 103137 50471 Köln Germany | BM Box 8927 London WC1N 3XX England | W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT .M5S 2Y4 Canada |
| Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden | Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany | Account No:6722-5007687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada | |

Fax: (1) 416 515 67 22
E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکیلات خارج کشور
(۴۶)۰۷۰-۵۸۸۵۸۳۶
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۲۱